

بیانیه انجمن روزنامه نگاران مسلمان شهر تهران در محکومیت عملیات تروریستی راسک



اخیرا و در پی حملات تروریستی و ددمنشانه گروهک موسوم به جندالله به پاسگاه مرزی راسک تعدادی از پرسنل خدمتگزار فراجا به فیض شهادت نائل آمدند که این اتفاق مصیبت جانگدازی را به خانواده محترم این شهیدان و نیز ملت شریف ایران وارد آورد که امیدواریم خداوند صبری عظیم برای تحمل این مصیبت بزرگ برای خانواده‌های این عزیزان مسئلت بدارد.

اما آنچه که باید گفت این است که هر عملیاتی که تحت عنوان اینگونه حملات به ارگانهای نظامی و انتظامی در غالب فعالیت سیاسی ضد جمهوری اسلامی تعریف نمی شود، و از منظر قوانین داخلی و بین المللی در زمره فعالیت تروریستی و ضد بشر تلقی می شود و توسط هر دولت و ملتی محکوم است.

لذا انجمن روزنامه نگاران مسلمان شهر تهران ضمن محکوم کردن این عملیات تروریستی از مسئولین انتظامی و قضایی و امنیتی می خواهیم که در کمترین زمان ضمن برخورد قاطع با مسببین این جنایات اقدامات پیشگیرانه لازم را در دستور کار خود قرار دهند. همچنین به کلیه گروههای سیاسی مسلح پیام می دهیم که راه تحقق آرمانهای یک حزب سیاسی مبارزه با قلم و فعالیت‌های مسالمت آمیز سیاسی است و نه خشونت و قتل و جنایت.

سخن سردبیر

جایزه صلح نوبل؛ ایران؛ و چند سوال



اخیرا و در پی انتخاب نرگس محمدی زندانی سیاسی که در زندانهای ایران محبوس است چند سوال و مطلب به ذهنم رسید که مطرح کردن آن را با مخاطبان نشریه خالی از لطف نمی بینم.

۱- جایزه صلح نوبل جایزه بسیار ارزشمندی است که براساس قوانین بین المللی به کسانی اهدا می شود که در مسیر صلح و آزادی و حقوق بشر فعالیت نموده باشند و بازخورد فعالیت آنان در سطح جهان مشهود و ملموس باشد.

اما در میان کسانی که برنده صلح نوبل شدند اینک نام خانم نرگس محمدی به میان آمده است از سویی برای اعتبار ملت ایران قابل تحسین است ولی در سمتی دیگر اعتبار نظام زیر سوال جامعه بین الملل رفته که این امر می بایست هم توسط مسئولین بلند پایه نظام و هم تحلیلگران سیاسی قابل تامل باشد که برآستی چه فرآیندی در خصوص اعطای جوایز طی شده است و خانم محمدی چه فعالیت‌هایی برای صلح در جهان انجام داده است که این امتیاز شامل حال او شده است.

اگر بیاییم ونگاهی به فعالیت‌های خانم محمدی بیندازیم اینک اگر ایشان از وضع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی موجود کشور ناراحت بوده و بدون دریافت مجوز لازم در اجتماعات به ایراد سخن علیه تمام ساختار این نظام پرداخته و اینکه بدون پرداختن به فعالیت‌های مثبت نظام فقط به تاخت و تاز علیه نظام بپردازد و حتی برای انجام فعالیت سیاسی با مرانامه قابل قبول مردم و نظام به فعالیت سیاسی بدون مجوز بپردازد و در این راه بازداشت شود بدون اینکه فعالیتی موثر داشته باشد و فقط زندان رفته باشد کار موثر نبوده و به نظرم کمیته صلح نوبل باید در ارائه این جایزه حساس به افراد و فعالان جامعه مدنی بازنگری داشته باشد.

زیرا تغییر شرایط به نفع مردم بازندان رفتن محقق نمی شود و فعالان جامعه مدنی می بایست با نظام مستقر در کشور هماهنگی لازم رانیز داشته باشند و اینکه هر کسی بخواهد بدون دریافت مجوز قانونی و عدم هماهنگی با ساختارهای کنترلی حاکمیت اقدامات دلخواه انجام بدهد و بدون اینکه شرایط عموم مردم را بسنجد و نه فقط جامعه هدف و بیاید اقدامات خلاف قوانین حاکم انجام بدهد که حقوق دیگر اقشار جامعه را از بین ببرد از دیدگاه بنده فعالیت مدنی او فاقد وجهت حقوقی و شرعی و قانونی می باشد. در ایران بیش از ۱۰۰ حزب براهتی و در چارچوب همین نظام و حتی منتقد این نظام فعالیت‌های موثر دارند و اینکه کمیته صلح نوبل بدون استعلام از دستگاه‌های امنیتی و قضایی و سیاسی هر کشوری و سپس تعیین معیارهای مهم و براساس موازین حقوقی کارشناسی شده و مورد تایید فعالان مدنی با تجربه و یا کارشناسان سیاسی اقدام به اهدای جایزه صلح نوبل به افرادی می کنند که فعالیت‌های آنان موثری نداشته اند ما را به این نتیجه می رساند که حتی اهدای جایزه نوبل هم با نفوذ قدرتمندان و سرویس‌های اطلاعاتی کشورها انجام می پذیرد و نه براساس معیارهای تایید شده علم سیاست و حقوق بین الملل و روابط بین الملل.

به عنوان مثال مرای اثبات ادعایمان می توانیم به انتخاب شدن باراک اوباما رییس جمهور آمریکا برای دریافت جایزه صلح نوبل اشاره کنیم در صورتیکه فعالیت‌های اوباما برای دریافت این جایزه واقعا نیاز به بررسی داشت که متاسفانه فقط و فقط اهدای این جایزه خاستگاه سیاسی سرویس‌های اطلاعاتی برای رسیدن به اهداف سیاسی و امنیتی در جامعه خودشان یا کشورهای هدف می باشد.

فاجعه غزه، زمینه‌ای برای راستی آزمایی ادعاهای دینداری، اخلاق‌مداری و انسان‌دوستی

انجمن اسلامی مهندسين

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ، الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ ...

به کسانی که جنگ بر آنها تحمیل شده و مورد ستم قرار گرفته‌اند اجازه پیکار داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان توانا است. همان کسانی که به ناحق از خانه‌های خویش رانده شده‌اند (سوره حج آیه ۳۹ و ۴۰)

در واکنش به هفتاد و چند سال اشغال سرزمین فلسطین و جنایت مستمر علیه فلسطینیان از سوی دولت غاصب اسرائیل و زمینه انباشت نارضایتی و خشم مردمانی که همه عمر خویش را در فضای قهر و سرکوب گذرانده‌اند در روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (برابر ۱۵ مهر ۱۴۰۲) نیروهای شبه نظامی حماس پس از پرتاب هزاران راکت به جنوب اسرائیل، از حصارهای تنگ و مصنوعی اطراف غزه عبور کرده و با کشتن تعدادی از افراد ساکن یا حاضر در آن منطقه و اسیر کردن حدوداً ۲۰۰ نفر، به درون غزه باز گشتند.

متعاقباً ارتش اسرائیل برای انتقام گرفتن از حماس باریکه غزه به صورت یک زندان روباز متراکم را از زمین و هوا و دریا با بمب موشک و سلاح‌های ویرانگر مورد حمله قرار داد و با منهدم کردن خانه‌های مسکونی بیمارستانها، مدارس و مکانهای مذهبی تا این تاریخ بیش از ده هزار نفر از مردم شامل هزاران کودک را قتل عام کرده و چندین برابر مجروح و مصدوم و بی پناه و بی سرپناه افزون بر اینها دولت اشغالگر اسرائیل ورود و توزیع برق و سوخت به غزه را متوقف و در ورود آب دارو و غذا نیز محدودیت شدید ایجاد کرده است. مجموع این تعرضات و وحشی‌گری‌ها غزه را در معرض یک فاجعه انسانی کم نظیر قرار داده است. به گونه‌ای که همه انسانها و نهادهای بشر دوست واقعی را شدیداً نگران کرده و وادار به دادن هشدار جدی در باره سرنوشت ساکنان ستمدیده و تحت محاصره کامل غزه کرده است.

در باره انگیزه‌های سیاسی مسائل اطلاعاتی و عوامل پشت پرده این حملات و درگیریه‌ها و تبعات خونبار بعد از آن تحلیل و ارزیابی‌های گوناگون عرضه شده است اما از منظر موازین اخلاقی حقوقی و دینی کسانی که از خانه و زندگی و سرزمین خویش رانده و آواره شده‌اند حق اعتراض و احقاق حق دارند.

بقیه در صفحه ۳

گفتگوی پناه مردم پیرامون اتفاقات غزه با مهندس ابوالفضل بازرگان معاون نخست وزیر در دولت موقت



خبرنگار: مهدی کیان

همان طور که خودتان بهتر می دانید نهضت آزادی ایران ارتباطاتی در قبل از انقلاب با گروه‌های مبارز فلسطینی داشته است و نمود عینی گواه این موضوع ورود یاسر عرفات به ایران و استقبال گرم دولت موقت از این نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین بود که بعد از مدتی رفته رفته این ارتباطات سرد شد و اکنون نیز شاهد هستیم که حماس به عنوان یک گروه مبارز فلسطینی عملیات طوفان الاقصی را در اراضی اشغالی انجام داد و متعاقباً اسرائیل به بمباران وحشیانه مواضع حماس و مردم بی دفاع غزه و فلسطین پرداخت. از دیدگاه شما، به عنوان یک فعال کهنه کار سیاسی و با شناختی که از فعالان فلسطینی و روش و منش آنها دارید، آیا می توان پذیرفت که این اقدام حماس منطقی یا اقدامی واجب بوده و برای خواسته‌های سیاسی امری اجتناب ناپذیر بود؟

لازم می دانم که اشاره کوتاهی به سابقه موضوع داشته باشم. تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ میلادی) سرزمین فلسطین در قلمرو امپراتوری عثمانی قرار داشت و در سال ۱۹۲۲، با تایید جامعه ملل، زیر قیمومت دولت بریتانیا (انگلستان) قرار گرفت. پس از جنگ جهانی

بقیه در صفحه ۲

ادامه گفتگوی پناه مردم پیرامون اتفاقات غزه با مهندس ابوالفضل بازرگان معاون نخست وزیر در دولت موقت

دوم، در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶ هجری خورشیدی)، طرح تقسیم فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (جایگزین جامعه ملل) تصویب شد که، به موجب آن، ۵۵ درصد مساحت فلسطین به اسرائیل و بقیه به اعراب تعلق می‌گرفت. اسرائیل این طرح را پذیرفت و در سال ۱۳۲۷ استقلالش را اعلام کرد ولی طرح مورد پذیرش اتحادیه عرب و حکومت‌های عربی ذی‌ربط قرار نگرفت. در نتیجه، جنگی میان ارتش‌های عربی و نیروهای داوطلب فلسطینی با اسرائیل در گرفت که به شکست اعراب و از دست دادن بخشی از زمینهای فلسطینیان منجر شد. بدین ترتیب، دولت مستقل فلسطینی شکل نگرفت و جنگ‌های کلاسیک بعدی میان ارتش‌های عربی (عمدتاً مصر و سوریه) و ارتش اسرائیل رخ داده و باعث اشغال زمینهای بیشتری به وسیله اسرائیل شده است. البته، پس از تشکیل سازمانهای مبارز فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی، عملیات چریکی از سوی آنها علیه اسرائیل انجام یافته است.

نخستین یا مهم‌ترین گروه سازمان یافته جنبش آزادیبخش فلسطین (فتح) بود که در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶) به وسیله یاسر عرفات و چند تن از یارانش در کویت پایه‌گذاری شد. بعداً گروه‌های کوچک‌تری مانند جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین پدید آمدند و در سال ۱۳۴۳ سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) از ائتلاف میان آنها تشکیل شد.

رژیم شاه، به علل گوناگون، از جمله رقابت یا دشمنی با دولتهای مصر، سوریه و عراق، روی خوشی به فلسطینیان نشان نمی‌داد ولی روابط دوستانه با دولت اسرائیل داشت، به گونه‌ای که اسرائیل دفتر بازرگانی در ایران داشت و روزنامه‌ای به نام ستاره شرق به زبان فارسی منتشر می‌کرد. از جمله کارهایی که به اسرائیلی‌ها واگذار شد طراحی و اجرای سامانه آبیاری دشت قزویین بود. سفارت اسرائیل نیز در خیابان کاخ (فلسطین فعلی) دایر شد. اما مردم ایران، بویژه فعالان سیاسی، اجتماعی و دینی، نسبت به فلسطین احساس همدردی و پشتیبانی می‌کردند. به عنوان مثال جمعیت دفاع از فلسطین با مدیریت آقای رهنما (از روحانیان) فعالیت داشت. آیت الله طالقانی نیز در مسجد هدایت برای فلسطین کمک‌های مالی گردآوری می‌کرد و دست کم در یک کنگره (موتمر) اسلامی نیز شرکت داشت.

البته، به علت خفقان موجود در رژیم شاه، ارتباطات علنی و سازمان یافته بسیار دشوار بود. ولی اعضای مانند دکتر یزدی و دکتر چمران در خارج از کشور با گروه‌های فلسطینی ارتباط داشتند پس از پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷، طبعاً وضع معکوس شد و دولت موقت، با قطع هر گونه رابطه با دولت اسرائیل، محل سفارت آن رژیم غاصب را به یاسر عرفات، به عنوان رهبر ساف، واگذار کرد. با برقراری ارتباط رسمی میان دولت ایران و ساف ارتباط نهضت آزادی ایران با گروه‌های

فلسطینی توجیه نداشت. ولی مسئولان نهضت آزادی ایران دیدارهایی با سفیر فلسطین در ایران داشته‌اند.

ضمناً، سازمان‌های جهاد اسلامی و حماس (جنبش مقاومت اسلامی) در آن زمان وجود نداشتند و به ترتیب در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ پایه‌گذاری شدند. در سال ۱۳۷۲، پیمان اسلو به امضای یاسر عرفات و اسحاق رابین رسید که به موجب آن، ساف موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت و اسرائیل نیز ساف را به عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت. مدت اعتبار این پیمان ۵ سال بود. در سال ۱۳۷۴ نیز، پیمان اسلو ۲ به امضای دو طرف رسید. هدف آن دو پیمان رسیدن به یک معاهده صلح بر پایه قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و تحقق «حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین» بود. ضمناً تشکیلات خودگردان فلسطین با نام رسمی «حکومت ملی فلسطین» با مرکزیت رام‌الله و تحت کنترل ساف برای اداره کرانه باختری و نوار غزه به وجود آمد و نماینده ساف به عنوان ناظر در سازمان ملل متحد پذیرفته شد. از آن پس، ساف به تعهداتش عمل کرده است ولی تندروهای دو طرف، که هر یک خواهان نابودی طرف مقابل است، مفاد پیمانهای یاد شده را نپذیرفته‌اند. ضمناً در انتخابات سال ۱۳۸۵ برای شورای قانون‌گذاری فلسطین، حماس اکثریت آرا را به دست آورد و کنترل غزه را به دست گرفت.

مقامات دولت جمهوری اسلامی ایران، که عقد پیمان اسلو را سازشکاری و خیانت عرفات و ساف به آرمان فلسطین ارزیابی می‌کردند نسبت به ساف، دولت خودگردان و نمایندگی آن در ایران بی‌التفات یا کم‌التفات بوده و همواره از حماس و متحدان آن (سازمان جهاد اسلامی فلسطین، حزب الله لبنان، کتائب حزب الله در عراق و ...) پشتیبانی کرده‌اند.

و اما داوری در باره منطقی و لازم بودن یا نبودن عملیات طوفان الاقصی به علت وجود شرایط بسیار پیچیده و دشوار در سرزمین‌های اشغالی برای کسانی که دور از صحنه قرار دارند آسان نیست. در نگاه اول، می‌توان حمله حماس در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ را از لحاظ اخلاقی (حقوق بشر) و هزینه‌های سنگین آن برای حماس و فلسطینیان مورد چالش قرار داد ولی از آنجا که این عملیات در واکنش به هفتاد و چند سال جنایت و نسل‌کشی دولت اسرائیل از یک سو و احتمالاً برای جلوگیری از فراموش شدن یا کم‌رنگ شدن مساله فلسطین در جهان، از جمله در کشورهای عربی، و نیز جلوگیری از گسترش پیمان ابراهیم صورت گرفته است، می‌توان آن را از نظر فلسطینیان اجتناب ناپذیر به حساب آورد. ارزیابی پیامدهای عملیات مذکور، به رغم خسارات سنگین جانی و مالی آن تاکنون (که ممکن است افزایش یابد)، نشان می‌دهد که حماس توانسته است تغییر چشمگیری در افکار عمومی جهان و مواضع کشورهای غربی و عربی پدید آورد و نیز افسانه شکست ناپذیری اسرائیل را باطل

کند. پیش بینی آینده فلسطین نیز دشوار است ولی شاید زمینه مناسب‌تری برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی و مصالحه میان دو طرف جنگ فراهم شده باشد.

آیا شما احتمال می‌دهید که چشم‌انداز این نبرد به جنگ گسترده در منطقه بیانجامد؟ به نظر شما، احتمال ورود ایران به این جنگ وجود دارد؟ چه اندازه؟

از اظهارات مقامات آمریکایی و اروپایی و نیز ج.ا.ا. و حزب الله لبنان چنین بر می‌آید که اراده‌ای برای گسترش جنگ به خارج از سرزمین‌های اشغالی وجود ندارد، ولی با توجه به این که صهیونیست‌های تندرو همواره از دشمن تراشی و ایجاد ناامنی در منطقه برای جلب پشتیبانی‌های مادی و معنوی و جلوگیری از ایجاد دولت فلسطینی سود برده‌اند، احتمال می‌رفت که دیگران را به شرکت در جنگ تحریک کنند. اینک، با توجه به تغییر موضع کشورها و هزینه‌های سنگینی که برای اسرائیل ایجاد شده است، احتمال گسترش جنگ دست کم تا حدودی کاهش یافته است.

اسرائیل با بمباران وحشیانه مناطق مسکونی، بی‌مهابا به کشتار فجیع انسانهای بی‌گناه می‌پردازد. به نظرتان، استراتژی دفاعی دولت اسرائیل تا چه حدی می‌تواند برای امنیت ملی ما و حوزه سیاست خارجی ایران اثرگذار یا خطرناک باشد؟ لطفاً ابعاد آن را توضیح دهید.

اسرائیل همواره یک خطر بالقوه برای امنیت ما بوده است. مسلمانان رویارویی نظامی به سود هیچ یک از دو طرف و منطقه نیست و نمی‌توان پیامدهای آن را به درستی پیش بینی کرد. تا آنجا که مربوط به ایران است، حاکمیت باید، ضمن پشتیبانی از ملت و آرمان فلسطین، از هر گونه تحریک و بهانه دهی به اسرائیل برای ضربه زدن به ایران پرهیز کند و از آنجا که برقراری صلح در خاورمیانه بدون حل مساله فلسطین متصور نیست، حداکثر تلاش دیپلماتیک را برای پایان دادن به محاصره هفتاد و چند ساله در سرزمین فلسطین و تحقق فرمول دو دولت، که مورد تایید بیشتر کشورهای جهان، سازمان‌های بین‌المللی و مردم فلسطین است، به کار گیرد.

به نظر شما، راهکارهای برون رفت از این وضع فلاکت بار مسلمانان غزه چه می‌تواند باشد و راهکار پایدار چیست؟

نخستین راهکار برقراری آتش بس فوری و پایدار میان دو طرف و تضمین امنیت غزه و کرانه غربی است. اولویت بعدی بازسازی غزه و بازگشت آوارگان است. سپس، باید گام‌های جدی و اثربخش برای از سرگیری مذاکرات و تامین صلح بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد صورت گیرد.

● رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۳۸۳۲۳/۱۰۲ مورخ ۱۳/۶/۱۴۰۲ در رابطه با جنبه شرعی مقرره مورد شکایت اعلام کرده است که «اطلاق بخشنامه مورد شکایت خلاف شرع شناخته شد» بنابراین در اجرای حکم مقرر در ماده ۸۷ قانون دیوان عدالت اداری مبنی بر لزوم تبعیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از نظر فقهای شورای نگهبان در خصوص جنبه شرعی مقررات اجرایی اطلاق سطر پایانی بخشنامه شماره ۱۵۰۱۶۰ مورخ ۲/۹/۱۳۹۲ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که مقرر می‌دارد: «همه اقدامات وکیل به نمایندگی از اصیل حتی اقرار وی علیه اصیل دارای اثر قانونی بوده و معتبر می‌باشد»، خلاف شرع بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال میشود. این رأی براساس ماده ۹۳ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی مصوب ۱۰/۲/۱۴۰۲ در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری معتبر و ملاک عمل است.

حکم تعلی مظفری، رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

منبع: خبر ویژه

ابطال بخشنامه وزارت کار که اقرار وکیل علیه موکل را معتبر می‌دانست

تاریخ دادنامه: ۱۶/۸/۱۴۰۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای سعید کنعانی

طرف شکایت: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال سطر پایانی بخشنامه شماره ۱۵۰۱۶۰ - ۲/۹/۱۳۹۲ مدیر کل روابط کار و جبران خدمت

ادامه فاجعه غزه، زمینه‌ای برای راستی آزمایی ادعاهای دینداری، اخلاق مداری و انسان دوستی



در آیه صدر این نوشتار و نیز در آیات ۸ و ۹ سوره ممتحنه (قرآن مجید مسلمانان و نیز همه مردم را مجاز دانسته است که اگر مورد حمله و ستم از سوی دشمنان قرار گرفتند یا از خانه و سرزمینشان بیرون رانده شدند به دفاع برخیزند و دشمن را دفع کنند.

لا ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین
 إنما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخرجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون (ممتحنه، آیه ۸ و ۹)

خدا شما را از داشتن روابط نیکو و عادلانه با کسانی که در امر دین با شما نجنبیده‌اند و شما را از خانه‌های خود بیرون نرانده اند. نهی نمی‌کند و خدا عادلان را دوست میدارد؛ شما را تنها از دوستی با کسانی نهی میکند که در امر دین با شما جنگیدند. و با پشتیبانی یکدیگر شما را از خانه‌های خود بیرون راندند و کسانی که با آنان دوستی ورزند، ستمگرند.

البته - مشابه آموزه‌های اخلاقی پیامبران سلف - توصیه شده است که حقوق انسانی دشمن را رعایت کنند تنها با پیکار کنندگان مهاجم مقابله کنند در صورت دست کشیدن دشمن از بیکار آنان نیز از جنگ دست بردارند در صورت عقب نشینی سربازان دشمن از تعقیب و کشتن آنان خودداری ورزند برای گرفتن غرامت اسیر نگیرند و از حدود مجاز تجاوز نکنند.

حمله حماس به اسرائیل - فارغ از جنبه‌های راهبردی و مصلحت اندیشی - هر چند مخالف مبانی اخلاقی و آموزه‌های دینی بوده و قابل دفاع نیست ولی همان گونه که دبیر کل سازمان ملل و دیگران بیان کرده‌اند. این حادثه در خلأ رخ نداده است و محکوم کردن خشونت حماس بدون پرداختن به زمینه‌های ارتکاب آن یعنی تاریخ هفتاد و چند ساله تهاجم مستمر و وحشتناک دولت اسرائیل علیه فلسطینیان، نشانه بی انصافی محض استاندارد دوگانه و توجیه و تشویق جنایات اسرائیل به شمار میرود پیشینه حادثه دلخراش اخیر در بستر تاریخ شکل گیری و تاسیس دولت اسرائیل و حوادث پس از آن قابل جستجو است.

سرزمین فلسطین از دیرباز محل سکونت یهودیان مسیحیان و مسلمانان بوده است. در اواخر قرن ۱۹ میلادی جنبش صهیونیسم - مبتنی بر آرمان ملت یهود برای بازگشت به سرزمین اسرائیل و تشکیل دولت یهود - به وسیله تئودور هرتسل بنیاد نهاده شد. در آن زمان جمعیت یهودیان ساکن منطقه فلسطین هشت درصد کل جمعیت بود و دو درصد سرزمین را در اختیار داشتند.

در سال ۱۸۹۷ کنفرانس صهیونیستی در سویس با هدف یهودی سازی فلسطین و تنظیم برنامه‌هایی برای تسخیر جهان و تشکیل حکومت جهانی یهود برگزار شد و ۲۴ پروتکل را تصویب کرد. اما اقلیت کوچکی از یهودیان از این طرح استقبال کردند.

با شروع جنگ جهانی اول علیه امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۴، بررسی وضعیت منطقه فلسطین مورد توجه دولت بریتانیا قرار گرفت و در نوامبر ۱۹۱۷ بیانیه بالفور وزیر امور خارجه بریتانیا به وسیله دولت انگلستان در حمایت از تاسیس خانه ملی برای مردم یهودی در فلسطین انتشار یافت و امید صهیونیست‌ها را افزایش داد. در مارس ۱۹۱۸ کمیسیون صهیونیست تشکیل شد تا اعضای آن به فلسطین بروند و با مطالعه اوضاع به دولت بریتانیا گزارش دهند.

با شکست و فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول سرزمینهای قلمرو آن تقسیم و به دولتهای بریتانیا و فرانسه سپرده شد. در آوریل ۱۹۲۰ شورای عالی متفقین تصمیم گرفت که فلسطین به قیمومت دولت بریتانیا در آید و آن دولت مفاد اعلامیه بالفور را اجرا کند. سند قیمومت فلسطین و اردن در ژوئیه ۱۹۲۲ به تایید شورای جامعه ملل که بعداً به سازمان ملل متحد تبدیل شد رسید. از آن تاریخ به بعد مهاجرت یهودیان به فلسطین افزایش یافت و آنان فریبکارانه به خرید زمینهای فلسطینیان و نیز مقابله با نیروهای انگلیسی و فلسطینیان معترض پرداختند. برای این منظور آژانس یهود، به عنوان جایگزین کمیسیون صهیونیست و شاخه عملیاتی سازمان جهانی صهیونیست برای تشویق یهودیان پراکنده در جهان به مهاجرت به اسرائیل تشکیل شد و گروه‌های تروریستی‌ها گانا ایرگون و لاهی پدید آمدند.

در نوامبر ۱۹۴۷ (آذر ۱۳۲۶ خورشیدی)، قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، موسوم به طرح تقسیم

پایه گذاری شد و شاخه نظامی آن گردانهای عزالدین قسام نام دارد، صلح با اسرائیل و فرمول دو دولت را نمی پذیرد. البته بعداً با مذاکره با اسرائیل و قبول مرزهای ۱۹۶۷ موافقت کرده است. حماس در اواخر دهه ۱۹۹۰ درگیر مناقشه اسرائیل و فلسطین شد و در انتخابات ۲۰۰۶ بیشترین کرسی را در مجلس قانونگذاری فلسطین به دست آورد و کنترل نوار غزه را از «فتح» گرفت.

نکته مهم این است که دولت خودگردان فلسطین تاکنون به تعهداتش عمل کرده است ولی تندروهای متعصب صهیونیستی نه تنها مخالف صلح و اشتی با فلسطینیان بوده و همه قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را نادیده گرفته‌اند بلکه از اعمال هرگونه خشونت و آزار و حمله علیه فلسطینیان و تصرف زمینهای آنان فروگذار نبوده‌اند.

به رغم همه جنایات یاد شده دولتمردان آمریکا، انگلستان فرانسه و برخی دیگر از پشتیبانان دولت اسرائیل که خود و کشورهائیشان را مهد تمدن و دموکراسی و بشر دوستی میدانند در پی حوادث اخیر تنها بر محکوم کردن حمله حماس و قائل شدن حق دفاع برای اسرائیل تمرکز کرده و کلمه‌ای درباره جنایات و نسل کشی‌های دولت اسرائیل و در منگنه قرار دادن مردم بی پناه فلسطین بر زبان نیاورده‌اند و نیز اقدام جدی و ملموسی در باره اجرای پیمانهای اسلو و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، و نیز برای برقراری آتش بس فوری با هدف جلوگیری از فاجعه انسانی در غزه نکرده‌اند.

انجمن اسلامی مهندسين ضمن ابراز نگرانی شدید از تداوم کشتار و ویرانی در غزه و گسترش دامنه جنگ در منطقه و نیز درگیر شدن میهن عزیزمان در آن خواستار آتش بس فوری و بی قید و شرط برای جلوگیری از افزایش تلفات و خسارات جنگ فرصت دادن برای رساندن کمکهای انسانی به مردم بیگناه و ستمدیده غزه و تلاش جدی و صادقانه برای فراهم کردن زمینه مذاکرات سازنده در راستای ایجاد صلح پایدار میان طرفهای متخاصم و تشکیل دولت مستقل فلسطینی با مرزهای سال ۱۹۶۷ مطابق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد است.

امید است که همه جناح‌های فلسطینی با حسن نیت تکرر پذیری و ایجاد منا سبات برادرانه و دموکراتیک به راهبرد واحد و منسجم در برابر دشمن مشترک و تحقق آرمان فلسطین دست یابند.

انجمن اسلامی مهندسين
 ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

فلسطین تصویب شد که به موجب آن ۵۵ در صد مساحت سرزمین فلسطین به اسرائیل تعلق میگرفت و مقرر شد که شهر اور سلیم بیت المقدس با قدس از نظر مسلمانان به صورت بین المللی اداره شود در حالی که جمعیت عرب دو برابر جمعیت یهودی بود. این طرح مورد پذیرش آژانس یهود قرار گرفت ولی کمیته عالی عرب اتحادیه عرب و رهبران و حکومت‌های عرب آن را نپذیرفتند. در نتیجه جنگ داخلی در فلسطین در گرفت و طرح پیاده نشد.

در ۱۴/۰۵/۱۹۴۸، اسرائیل استقلالش را اعلام کرد و جنگ میان عربها و یهودیها شدت گرفت. در این جنگ نیروهای داوطلب فلسطین و چند کشور همسایه شکست خوردند و یهودیان ۷۸ در صد فلسطین، شامل الخلیل ساحل دریای مدیترانه صحرای نقب و منطقه مرکزی فلسطین را اشغال کردند ولی کرانه باختری زیر اداره اردن و نوار غزه زیر اداره (مصر) از اشغال در امان ماندند گرچه اسرائیل از ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۵ موفق شد که ۶۰ درصد کرانه باختری و ۴۰ در صد غزه را اشغال کند و جمعاً ۹۷ در صد فلسطین را به اشغال در آورد. در این بازه زمانی اسرائیل بارها در مناطقی مانند دیربایسین خان یونس تل زعتر، کفر قاسم صبرا و ستیلا دست به جنایتها و قتل عام‌های فجیع زد.

پس از سالها مقاومت مسلحانه سازمان آزادیبخش فلسطین (الفتح) در برابر ارتش بیرحم و تا بن دندان مسلح اسرائیل رهبران سازمان یاد شده و پاره‌ای از دولتمردان میانه رو در دولت اسرائیل به این نتیجه رسیدند که جنگ میان دو طرف برنده نهایی ندارد و تداوم آن باعث افزایش نفرت و تداوم کشتار و خسارت خواهد بود. از این رو، دیپلماسی نیز در دستور کار دو طرف قرار گرفت و با میانجی گری دولت آمریکا، «پیمان اسلو» در سپتامبر ۱۹۹۳ بین یاسر عرفات و اسحاق رابین و با حضور بیل کلینتون به امضا رسید. در این پیمان «فتح» دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و کاربرد خشونت را محکوم کرد اسرائیل هم فتح را به عنوان نماینده قانونی مردم فلسطین به رسمیت شناخت و عرفات اجازه یافت که به فلسطین باز گردد. قرار شد که پیمان اسلو برای پنج سال معتبر با شد و سپس جایش را به یک توافقنامه دائم در باره آوارگان فلسطینی وضعیت بیت المقدس شهرکهای اسرائیلی مسائل امنیتی و تعیین مرزها بدهد.

در سال ۱۹۹۵ «پیمان اسلو ۲» با نام «توافقنامه موقت در مورد کرانه باختری و نوار غزه به امضای دو طرف رسید. هدف پیمانهای اسلو رسیدن به یک معاهده صلح بر پایه قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد و تحقق حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین بود.

با کمال تأسف این پیمانها مورد قبول تندروهای دو طرف و برخی از حامیان آنان قرار نرفتند. صهیونیست‌ها اسحاق رابین را علناً و یاسر عرفات را به طریق بیولوژیک از میان برداشتند و سازمانهای حماس و جهاد اسلامی نیز زیر بار پیمانها نرفتند. سازمان جهاد اسلامی که در ۱۹۸۱ تاسیس شد، مخالف صلح با اسرائیل و خواهان انحلال دولت خودگردان فلسطین است. حماس نیز که در دسامبر ۱۹۸۷ با انشعاب از اخوان المسلمین

* توضیح: در نسخه نهایی نشده این بیانیه-که ممکن است به اشتباه در سطح محدودی منتشر شده باشد- بر اساس اخبار منتشر شده در آن زمان، عدد مشخصی برای کشته شدگان در حمله حماس آمده بود که چون بنا بر اعترافات منابعی در اسرائیل، آشکار شد که بیشتر قربانیان بر اثر واکنش شتابزده و شلیک کور بالگردهای ارتش اسرائیل به افراد درحال فرار از صحنه درگیری کشته شده‌اند، عبارت به کار رفته در آن نسخه به صورتی که در این نسخه آمده ویرایش و اصلاح شده است.

چارچوب جهانی مواد شیمیایی و پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت مواد شیمیایی - الهه پوینده

تقویت شفافیت و دسترسی به اطلاعات در مورد مواد شیمیایی و خطرات منتسب به آنان را خواستار است.

یکی از تصمیمات ماخوذه برای اجرای این چارچوب، ایجاد امکان تامین مالی از منابع گوناگون بود. بر اساس توافقات، «صندوق چارچوب جهانی مواد شیمیایی (Global Framework on Chemicals Fund)» تاسیس شد که زیر نظر برنامه محیط زیست ملل متحد اداره می‌شود. این صندوق برای بازه زمانی محدود برپا شده است و می‌تواند منابع چندجانبه، دوجانبه و بخش خصوصی را در بر بگیرد. آلمان به عنوان رئیس کنفرانس، پرداخت ۲۰ میلیون یورو را به این صندوق متعهد شد.

کنفرانس، در کنار تصویب چارچوب جهانی، اعلامیه بن را نیز صادر کرد. هدف از این اعلامیه، پیشگیری از قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی آسیب‌زا، و حذف تدریجی خطرناک‌ترین آن‌ها در صورت امکان، یا تقویت مدیریت امن این مواد در مواردی است که استفاده از آن‌ها ضروری است. این اعلامیه هم‌چنین کشورها را به حمایت از گرایش به سمت اقتصادهای گردش و پرورش و توسعه جایگزین‌های امن این مواد شیمیایی تشویق می‌کند. این رویکرد نه تنها در پی حفاظت از سلامت افراد و محیط زیست، بلکه به دنبال کاهش تولید زباله، تقویت اقدامات بازیافتی و استفاده بهینه از منابع است.

اهمیت چارچوب جهانی مواد شیمیایی GFC

انتظار می‌رود تولید مواد شیمیایی بین در سال ۲۰۵۰ به نسبت سال ۲۰۱۰، سه برابر شود. این عدد، صنایع شیمیایی را به دومین صنعت تولیدکننده جهان و سومین صنعت منتشرکننده گاز دی‌اکسید کربن تبدیل می‌کند. نوآوری‌های این صنعت، منجر به تولید گسترده انواع مواد شیمیایی شده است. در حال حاضر حدود ۳۵۰ هزار ماده شیمیایی در بازار موجود است و هر سال هزاران ماده جدید به آن‌ها افزوده می‌شود. به همین ترتیب، میزان کاربرد آن‌ها نیز رو به افزایش است. جدیدترین داده‌های علمی نشان می‌دهد وزن مواد تولیدشده بشر اگر تا کنون از زیست‌توده بیش‌تر نشده باشد، به زودی بیش‌تر خواهد شد. بدین ترتیب آلودگی ناشی از مواد شیمیایی در کل چرخه حیاتشان و زباله رو به افزایش است. این آلودگی آب، هوا و خاک، انسان و محیط زیست را تهدید می‌کند اما تأثیرات آن بر انسان و محیط زیست روشن نیست. بنابراین اقدام فوری جهانی برای مقابله ضروریست.

به گفته خانم اینگر اندرسون، مدیر اجرایی برنامه محیط زیست ملل متحد پس از این کنفرانس، هر فرد بشر روی کره زمین باید بتواند بدون نگرانی از بیماری یا مرگ ناشی از مواد شیمیایی زندگی کند. طبیعت باید بتواند برای هزاران سال عاری از آلودگی، پشتیبان رشد بشر باشد. آلودگی مستقیم هوا، زمین، آب و محیط کاری هر سال موجب مرگ دو میلیون نفر می‌شود. اجرای آرام یا ضعیف این توافقات، به زودی در قالب مرگ‌ومیر بیش‌تر، آسیب بیش‌تر به طبیعت و ضررهای اقتصادی بیش‌تر به خود ما باز خواهد گشت.

بنابراین لازم است دولت‌ها در راستای حق بشر بر محیط زیست پایدار، سالم و پاکیزه، سیاست‌ها و مشوق‌های جدیدی را توسعه دهند که به صنایع شیمیایی و دیگر بخش‌ها برای سازگاری رویه‌های تجاری‌شان کمک کند. شرکت‌های مواد شیمیایی می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های جدیدی را برای جایگزین کردن مواد شیمیایی خطرناک با مواد دوستدار طبیعت و انسان آغاز کنند وگرنه به تدریج رها خواهند شد؛ زیرا مردم دنیا با دانش و داده‌های جدید امروز، خواستار فردایی بدون مواد سمی هستند.

منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد
الهه پوینده - دانش‌آموخته رشته مطالعات صلح، درگیری و توسعه ۱۴۰۲/۰۹/۱۷

برگزار شد. این کنفرانس به عنوان آخرین کنفرانس تصمیم‌گیری در چارچوب SAICM، نقطه عطفی به شمار می‌آید. هدف از این کنفرانس شناسایی چالش‌های باقی‌مانده و اتخاذ تصمیم برای ممکن شدن دستیابی به اهداف ۲۰۲۰ برنامه ژوهانسبورگ بود. کنفرانس، میزان دستیابی به اهداف در بخش‌ها و مناطق گوناگون را ارزیابی کرد، به موضوعات نوظهور حوزه سیاستگذاری پرداخت و در خصوص مدیریت مواد شیمیایی در قالب اهداف توسعه پایدار صحبت کرد.

این جلسات منجر به توسعه و پذیرش اسناد مهم متعدد و ابتکاراتی چون بیانیه دبی شدند. این نتایج در پیشرفت امنیت و مدیریت مواد شیمیایی در سراسر جهان نقش داشته‌اند. گفتگوها در این کنفرانس‌ها، طیف وسیعی از چالش‌های جهانی را از جمله مدیریت مواد شیمیایی خطرناک و کاهش آلاینده‌های آلی پایدار، گسترش جایگزین‌های امن‌تر و ادغام مدیریت مواد شیمیایی در اهداف توسعه پایدار در برداشت.

پنجمین کنفرانس جهانی مواد شیمیایی (ICCM5)

با توجه به چالش‌های ماندگار کنفرانس‌های پیشین و دست نیافتن به اهداف تعیین شده برای سال ۲۰۲۰، فرآیند آمادگی کنفرانس پنجم در سپتامبر ۲۰۲۲ در بخارست آغاز شد، جلسه‌ای که ابتدا بنا بود در اکتبر ۲۰۲۰ برگزار شود ولی به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ به تعویق افتاد. کنفرانس پنجم با بهره‌گیری از یک فرآیند مذاکره‌ای منحصر به فرد که در آن نمایندگان دولت‌ها، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های بین‌الدولی، جوانان و دانشگاهیان در سطحی برابر در آن شرکت کردند تصمیمی تاریخی اتخاذ و چارچوب جهانی مواد شیمیایی: برای سیاره‌ای عاری از آسیب‌های مواد شیمیایی و زباله‌ها (Global Framework on Chemicals – For a Planet Free of Harm from Chemicals and Waste) را تصویب کرد.

این چارچوب که بر اهداف ۲۸ گانه متکی است، نقشه راه کشورها و دیگر بازیگران را برای همکاری در اداره چرخه حیات مواد شیمیایی معین می‌کند؛ اهدافی که برای بهبود مدیریت مسوولانه مواد شیمیایی و زباله‌ها وضع شده‌اند. این اهداف هم‌چنین ارتباطی قوی با دیگر برنامه‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی، تنوع زیستی، حقوق بشر و سلامت برقرار، و ضمن ارتباط با دیگر اهداف استراتژیک، تعهدات گوناگونی چون ایجاد سازوکارهای قانونی و ساختاری لازم، دسترس‌پذیر کردن داده‌ها و اطلاعات، اعمال جایگزین‌های امن و پایدار و توسعه ظرفیت‌ها برای افزایش همکاری و تضمین منابع مالی کافی را تعیین می‌کنند. بیش‌تر این اهداف برای تحقق تا سال ۲۰۳۰ و هم‌راستا با تحقق اهداف توسعه پایدار تنظیم شده‌اند. در حقیقت، تحقق توسعه پایدار و آرمان‌های ۱۷ گانه آن بدون تحقق مدیریت صحیح مواد شیمیایی ممکن نخواهد بود. GFC دارای عناصر جدیدی در مقایسه با SAICM است تا بتواند بر ضعف‌های آن غلبه کند؛ به عنوان مثال به جای تعیین اهداف کلی، اهداف زمانبندی شده‌ای را وضع می‌کند که اجرای آن‌ها با استفاده از شاخص‌های گوناگون قابل اندازه‌گیریست. (منبع)

دستاوردهای ICCM5

در پی این کنفرانس و براساس چارچوب جهانی جدید، دولت‌ها متعهد شده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، سیاست‌ها و مقرراتی را با هدف کاهش آلودگی شیمیایی وضع کرده و جایگزین‌های امن‌تری را ترویج کنند. به علاوه صنایع ملتزم به مدیریت مواد شیمیایی به گونه‌ای شده‌اند که آلودگی و پیامدهای مخرب را کاهش دهد. این چارچوب هم‌چنین خواستار حذف تدریجی آفت‌کش‌های به شدت خطرناک مورد استفاده در کشاورزی، پیشگیری از معاملات غیرقانونی و قاچاق مواد شیمیایی و زباله‌ها و اجرای چارچوب‌های قوانین ملی تا سال ۲۰۳۵ است. به علاوه GFC، مدیریت مسوولانه مواد شیمیایی در بخش‌های گوناگون - از جمله صنایع، کشاورزی و مراقبت‌های درمانی - و

کره زمین و بشر با سه بحران محیط زیستی روبرو هستند که از میان آن‌ها تنها تغییرات اقلیمی شناخته شده است و دو بحران دیگر یعنی مدیریت مواد شیمیایی و از دست دادن تنوع زیستی چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) در همین راستا و در سال ۲۰۰۶ چارچوبی سیاسی با عنوان رویکرد استراتژیک به مدیریت بین‌المللی مواد شیمیایی (Strategic Approach to International Chemicals Management - SAICM) را بنا نهاد اما این چارچوب در رسیدن به اهدافش موفق نبود. بنابراین در سال ۲۰۱۵ فرآیندی برای تکمیل آن آغاز شد. ۸ سال کار مقدماتی در نهایت با تصمیم پنجمین کنفرانس جهانی مواد شیمیایی (International Conference on Chemicals Management - ICCM5) در شهر بُن آلمان به بار نشست.

طی این کنفرانس که از سوی UNEP در روزهای ۲۵ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳ برگزار شد، نمایندگان بخش‌های گوناگون دولتی و غیردولتی به توافقی جدید با موضوع کاهش مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از مواد شیمیایی و زباله‌ها دست یافتند و بر اساس آن متعهد شدند به تدریج خطرناک‌ترین این مواد را حذف کنند. بر اساس توافقات این کنفرانس، اهداف ملموس و دستورات عمل‌هایی برای چرخه حیات مواد شیمیایی در قالب چارچوب جهانی مواد شیمیایی (Global Framework on Chemicals - GFC) تنظیم شد. این کنفرانس هم‌چنین اعلامیه بن را به تصویب رساند. با پذیرش این چارچوب، آلودگی مواد شیمیایی و زباله‌ها، عاملی هم‌سطح بحران تغییرات اقلیمی و از دست رفتن تنوع زیستی شناخته می‌شود.

پیشینه

مواد شیمیایی و زباله‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بشری هستند اما تأثیرات مخربی نیز بر محیط زیست و سلامت انسان باقی می‌گذارند، به ویژه با رشد جمعیت بشر، مدیریت صحیح این مواد بیش از پیش مهم است. شهرهای جهان تا سال ۲۰۲۵ سالانه حدود ۲۲ میلیارد تن زباله تولید خواهند کرد. اما تا پیش از این، اقدامات کشورها برای کاهش چالش‌های ناشی از این مواد کافی نبوده است. به عنوان مثال تا سال ۲۰۱۴ تنها ۵۷٪ تعهدات کشورها برای ارائه داده و اطلاعات بر اساس کنوانسیون بازل با موضوع کنترل جابه‌جایی فرامرزی زباله‌های خطرناک محقق شد. (منبع) از همین رو به تشویق UNEP و برای تشویق به توسعه سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری برای کاهش مخاطرات مواد شیمیایی، کنفرانس‌های بین‌المللی مدیریت مواد شیمیایی ICCM آغاز به کار کردند.

- کنفرانس اول ICCM1: در فوریه ۲۰۰۶ در دبی برگزار شد و طی آن رویکرد استراتژیک به مدیریت بین‌المللی مواد شیمیایی SAICM با هدف مدیریت صحیح مواد شیمیایی به تصویب رسید تا توافقات حاصله در نشست جهانی ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و مدیریت مواد شیمیایی در چرخه حیاتشان و کاهش تأثیرات آن‌ها بر انسان و محیط زیست تا سال ۲۰۲۰ محقق شود.
- کنفرانس دوم ICCM2: در می ۲۰۰۹ در ژنو سوییس برگزار شد و اولین مرور بر پیشرفت اجرایی SAICM و اولین گردهمایی نمایندگان کشورها و بخش‌های مختلف برای تبادل نظر در امور مواد شیمیایی بود. در این کنفرانس، ضمن مرور امور صورت گرفته، موضوعات نوظهور، آینده مالی و شیوه ارائه گزارش‌های این چارچوب مورد بحث قرار گرفت.
- کنفرانس سوم ICCM3: در سپتامبر ۲۰۱۲ در نایروبی کنیا برگزار شد. این کنفرانس برای اولین بار میزان پیشرفت اجرای اهداف مورد نظر را با بررسی داده‌های ملموس و شاخص‌های خود سنجید، به موضوعات نوظهور پرداخت، اعتبار مالی SAICM را سنجید و اضافه کردن اقدامات جدید به برنامه اجرایی خود و برنامه آینده‌اش را بررسی کرد.
- کنفرانس چهارم ICCM4: در سپتامبر ۲۰۱۵ در ژنو سوییس

وقتی حرفی را که بلدی، در کارت نمیاری

یعنی بلدش نیستی،

اینهایی که "حرف" زیاد تر از "عملکردشان" دارند،

بازندگانی خجسته اند.



دکتر شیری

درس گفتارهای "توانگر شو"



دستورهای موقت متعدد و بی‌اعتنایی‌های مکرر؛ چالشی بر دستورهای موقت دیوان بین‌المللی دادگستری در پرتو جنگ قره باغ

در سپتامبر ۲۰۲۰ مجدداً جنگی میان آذربایجان و ارمنستان اساساً به خاطر اختلاف بر سر ناحیه قره باغ و برخی از عوامل، هم چون حقوق تاریخی، اقلیمی، و ملی شروع شد. این جنگ به سرعت گسترش یافت و حمایت‌های خارجی در دو سو و حوادثی مانند حمله به مناطق مرزی، تصاعد تنش‌های نظامی و تلاش برای کسب کنترل بر مناطق مهم نقاط مورد نظر، باعث افزایش تنش‌ها در این جنگ شد. در نهایت، جنگ در اثر واسطه‌گری‌های بین‌المللی، با برقراری آتش بس در نوامبر ۲۰۲۰ به پایان رسید. اما در ادامه، اقدام مهمی که صورت گرفت، ورود ارمنستان به جنگ حقوقی با آذربایجان بود. در این راستا، دولت ارمنستان در تاریخ ۱۶ سپتامبر سال ۲۰۲۱ دعوی را در رابطه با نقض‌های ادعایی کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی (CERD) نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمود. علاوه بر این، ارمنستان مطابق ماده ۴۱ (۱) اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، از دیوان، به منظور حفظ وضعیت موجود و جلوگیری از پیامدهای سوء آتی، تقاضای دستور موقت نمود. مطابق ماده پیش گفته، دیوان اختیار دارد تا اگر شرایط ایجاب می‌کند، هر نوع «اقدامات تأمینی» را که برای حفظ حقوق هریک از طرفین ضروری است، اتخاذ نماید. از این رو دولت ارمنستان سه مرتبه در تاریخ‌های ۱۶ سپتامبر سال ۲۰۲۱، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۲ و ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳ درخواست صدور دستور موقت از دیوان را نمود. البته باید اشاره داشت که دو مرتبه نیز در تاریخ‌های ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲ و ۲۴ می سال ۲۰۲۳ با استناد به ماده ۷۶ آیین دادرسی دیوان، درخواست تعدیل در دستور موقت‌های صادره را مطرح نمود. بدین منظور، در ادامه دستورهای موقت صادر شده مورد بررسی قرار گرفته و در انتها نتیجه‌گیری از پیامدهای نقض آنان ارائه می‌گردد.

۱. دستور موقت اول

دولت ارمنستان با بیان این که تا مدت طولانی پس از آتش بس ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، اتباع ارمنی هم چنان در معرض خطر قتل، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی به دلیل خاستگاه نژادی و ملی خود قرار داشته‌اند، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱ از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور دستور موقت نمود. ارمنستان در درخواست خود، واقعیت مزبور و سایر دلایل - شامل تخریب مستمر و امحاء میراث فرهنگی ارمنستان، ترویج نفرت نسبت به اتباع ارمنی از جانب رئیس‌جمهور آذربایجان و جلوه‌هایی از ارمنی‌هراسی - را به طور دقیق نمایانگر وضعیتی تلقی نمود که دیوان در گذشته و در وضعیت مشابه، اقدام به صدور دستور موقت نموده بود. از این رو در پرونده حاضر نیز ارمنستان درخواست صدور دستور موقت، از جمله پیرامون موارد زیر را از دیوان درخواست نمود:

- آزادی فوری کلیه اسرای جنگی، گروگان‌ها و سایر افراد بازداشت شده در خلال جنگ ۲۰۲۰ یا بلافاصله پس از آن؛
- رفتار مطابق با مقررات مندرج در کنوانسیون بین‌المللی امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی تا زمان آزادی این افراد، از جمله برخورداری از امنیت و برخورداری از محافظت دولت در مقابل هرگونه ایراد صدمه بدنی عمدی. به منظور اطمینان از رعایت حقوق اخیر اجازه داده شود، موضوع از طریق ارگان‌های مستقل از حیث پزشکی و روانشناسی مورد ارزیابی قرار گیرد؛
- آذربایجان باید از حق دسترسی و بهره‌مندی آرامنه از میراث مشترک مذهبی، فرهنگی و تاریخی حمایت کند که این موارد به صورت غیرحصاری شامل کلیسا، قلعه، پرستشگاه‌ها، بناهای تاریخی و آرامستان‌ها بوده، به تخریب و اقدامات خرابکارانه و تغییر در آن‌ها پایان داده شده و مرتکبین در صورت ارتکاب چنین اعمالی مجازات شوند و به آرامنه اجازه داده شود از اماکن مقدس زیارت کنند و اقدامات لازم برای حفظ و نگهداری آنان معمول شود؛

- آذربایجان از نفرت پراکنی علیه مردم با ریشه ملی یا قومی ارمنی خودداری کند و با بستن موزه غنایم جنگی به فعالیت

آن خاتمه دهد.

در پی این درخواست، دیوان بین‌المللی دادگستری در تاریخ ۷ دسامبر ۲۰۲۱ درخواست ارمنستان را پذیرفت و مقرر نمود که:

<۱> دولت آذربایجان وفق الزامات مقرر در کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی: الف) از کلیه افراد بازداشت شده در طول جنگ ۲۰۲۰ در مقابل خشونت و آزار بدنی محافظت نموده و امنیت و برابری آن‌ها را در مقابل قانون تضمین نماید؛ ب) کلیه اقدامات لازم را به منظور پیشگیری از تحریک و افزایش نفرت و تبعیض نژادی، من جمله توسط مقامات رسمی و نهادهای عمومی نسبت به اتباع یا قومیت ارمنی به عمل آورد؛ ج) تمام اقدامات لازم به منظور جلوگیری و تنبیه هرگونه تخریب و هتک حرمت میراث فرهنگی ارمنستان شامل، و نه محدود به، کلیساها و سایر پرستشگاه‌ها، بناهای تاریخی، آرامستان‌ها را انجام دهد؛

<۲> طرفین از هر اقدامی که ممکن است منجر به تشدید یا گسترش اختلاف نزد دیوان گردد یا حل اختلاف را با مشکل بیشتری مواجه سازد، خودداری نمایند.

درخصوص اقدامات صورت گرفته پیرو دستور موقت صادره از سوی دیوان باید اشاره نمود که در رابطه با بخش الف) دستور موقت مزبور، هیچ گزارشی مبنی بر آسیب‌های بیشتر پس از صدور دستور موقت دیوان در ۷ دسامبر ۲۰۲۱ ملاحظه نگردیده و ارمنستان نیز در بیانیه‌های دیگر خود خطاب به دیوان پس از این تاریخ، ادعایی درخصوص آسیب‌های بیشتر مطرح ننموده است که این امر می‌تواند نشانگر تبعیت و پایبندی آذربایجان به بخش الف) دستور موقت ۷ دسامبر ۲۰۲۱ باشد. با این حال، مصاحبه رئیس‌جمهور آذربایجان در ۳۰ ژانویه ۲۰۲۲ که بیان نمود: «ما نه تنها زمین‌های خود را آزاد نمودیم، بلکه هم چنین به پاکسازی منطقه قفقاز از شر این نیروهای خون خوار اقدام نمودیم» و هم چنین برنامه درسی مدرسه آذربایجان تحت عنوان «درس وطن پرستی» که متضمن موضوع‌هایی با این مضمون است که «ارمنی‌های متعصب از انبردست‌های زنگ زده برای خارج نمودن زبان کسانی استفاده نمودند که تمایل به خواندن داشتند، تا آن‌ها را محروم کرده و استهزاء نمایند»، این نتیجه را به دست می‌دهد که آذربایجان نسبت به بند ب) دستور موقت دیوان پایبند نبوده است.

هم چنین پیرامون بخش ج) دستور موقت، در سوم فوریه ۲۰۲۲، وزیر فرهنگ آذربایجان، از ایجاد یک کارگروه به منظور «امحاء نوشته‌های ساختگی ارمنیان بر روی معابد مذهبی آلبانی» خبر داد. به علاوه در آوریل ۲۰۲۲، آذربایجان اقدام به تخریب گنبد تاریخی یک کلیسای ارمنی نمود و در ماه می، از برنامه‌هایی درخصوص تبدیل یک کلیسای ارمنی به یک مسجد خبر داد. پارلمان اروپا نیز در ماه آوریل با محکوم نمودن اقدامات آذربایجان در خدشه به فرهنگ ارمنی، نسبت به اقدامات مزبور واکنش نشان داد. جملگی موارد مزبور، دلالت بر نقض بخش ج) دستور موقت توسط آذربایجان داشته است.

نقض بخش اخیر دستور موقت صادره، مبنی بر خودداری طرفین از هر اقدامی که منجر به تشدید یا گسترش اختلاف شود، با از سرگیری منازعات در مارس ۲۰۲۲ در ناگورنو قره باغ مشتمل بر نقض‌های ادعایی حقوق بشر اتفاق افتاد. به علاوه، ادعا گردیده است که آذربایجان به شکل مشهودی به تمامیت ارضی ارمنستان تجاوز نموده و حاکمیت و امنیت مرزی ارمنستان را تهدید کرده است، هرچند که آذربایجان روز بعد از آن، چنین ادعایی را تکذیب نمود. هم چنین جنگ ۱۹ و ۲۰ سپتامبر در ناگورنو قره باغ، مستقیماً منجر به نقض بخش اخیر دستور موقت بوده است.

- اولین درخواست تعدیل دستور موقت

دولت ارمنستان حمله گسترده نظامی آذربایجان به سرزمین خود در سپتامبر ۲۰۲۲ و ارتکاب قتل، رفتار غیرانسانی و ترذیلی، خشونت، آسیب جسمانی و شکنجه نسبت به نیروهای نظامی ارمنستان و نیز غیرنظامیان را به عنوان مبنایی برای «تغییر وضعیت» دانسته و نتیجتاً در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ درخواست

تعدیل در بخش اول دستور موقت صادره در ۷ دسامبر ۲۰۲۱ را به شرح آتی مطرح و از دیوان درخواست نمود تا «به طور صریح آذربایجان را ملزم نماید که از کلیه افراد بازداشت شده در طول جنگ ۲۰۲۰ یا هر درگیری نظامی بین طرفین از آن تاریخ به بعد، هم زمان با بازداشت یا بعد از آن، شامل افرادی که در بازداشت باقی مانده‌اند، در مقابل خشونت و آزار بدنی محافظت نموده و امنیت و برابری آن‌ها را در مقابل قانون تضمین نماید».

لیکن دیوان در قرار مورخ ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲، با ۱۳ رأی در مقابل سه رأی، با اعلام عدم احراز شرایط مقتضی جهت اعمال صلاحیت خود به منظور تعدیل در دستور موقت ۷ دسامبر ۲۰۲۱ درخواست تعدیل ارمنستان را «رد» و با تأیید مجدد مفاد دستور موقت سابق الصدور، بر تعهد طرفین درخصوص خودداری از هر اقدامی که ممکن است منجر به تشدید یا گسترش اختلاف نزد دیوان گردد یا حل اختلاف را با مشکل بیشتری مواجه سازد، تأکید نمود. لیکن دولت آذربایجان با از سرگیری خصومت‌ها در مارس ۲۰۲۲ در ناگورنو قره باغ و نیز حمله نظامی به آنجا در ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳، عدم پایبندی خود به تأکیدهای مجدد دیوان بین‌المللی دادگستری را نشان داد.

۲. دستور موقت دوم

دولت ارمنستان برای دومین بار، در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۲۲ با این ادعا که از اواخر جنگ سال ۲۰۲۰ بین ارمنستان و آذربایجان، کریدور لاجین تنها مسیر ارتباطی ناگورنو قره باغ و ارمنستان بوده و انسداد کریدور مزبور، به طور آشکار در راستای سیاست پاکسازی نژادی آذربایجان صورت پذیرفته است، مجدداً از دیوان درخواست صدور دستور موقت با این مضمون را نمود که:

<۱> دولت آذربایجان بایستی هماهنگی با معترضان و حمایت خود از اعتراضات ادعایی را که مانع از جا به جایی بدون مانع در امتداد کریدور لاجین در هر دو جهت می‌گردد، متوقف کند؛

<۲> آذربایجان بایستی جا به جایی بدون مانع و آزادانه تمامی اشخاص، وسائل نقلیه و بار را در امتداد کریدور لاجین در هر دو جهت تضمین نماید؛

<۳> هم چنین از دیوان الزام آذربایجان را درخواست نمود تا به گونه‌ای عمل نماید که هرگونه دستور دیوان در راستای درخواست مطروحه، اثر مناسب خود را داشته باشد.

متعاقباً دیوان در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۲۳ درخواست دستور موقت ارمنستان را پذیرفت و ضمن صدور دستور جدید مقرر نمود که: «جمهوری آذربایجان بایستی تا زمان صدور تصمیم نهایی دیوان در پرونده حاضر، وفق تعهدات خود در کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی، هرگونه اقدام در دسترس خود را برای تضمین جا به جایی بدون مانع و آزادانه تمامی اشخاص، وسائل نقلیه و بار در امتداد کریدور لاجین در هر دو جهت انجام دهد». همان گونه که مشخص است، دیوان مفهوم «انسداد» را مورد پذیرش قرار نداد، بلکه صرفاً به «ایجاد مانع در جا به جایی» در امتداد کریدور اشاره نمود بدون آن که مانع مزبور را به اقدامات یکی از طرفین دعوا منسوب نماید.

البته باید اشاره داشت، دولت آذربایجان به طور علنی اعلام نمود که نسبت به دستور موقت دیوان صادره در ۲۲ فوریه ۲۰۲۳ مبنی بر تضمین جا به جایی آزادانه و بدون مانع اشخاص، وسائل حمل و نقل و باربری در امتداد کانال لاجین در هر دو مسیر، پایبند نخواهد بود. متعاقب صدور دستور موقت دیوان، سفیر آذربایجان در هلند در توثیقی در رابطه با موضع آذربایجان چنین استدلال کرد که آن کشور هرآن چه که در دسترس و کنترل خود دارد، برای توقف اعتراضات و تضمین آزادی عبور در کریدور انجام می‌دهد و بنابراین کار دیگری که نیاز به انجام آن باشد، وجود ندارد.

- دومین درخواست تعدیل دستور موقت

دولت ارمنستان با ذکر این که متعاقب دستور دیوان در ۲۲ فوریه ۲۰۲۳، آذربایجان دو پاسگاه بازرسی تحت صلاحیت نیروهای مسلح خود در کریدور لاجین ایجاد کرده است، اقدام

آذربایجان را به عنوان تغییر جدی در وضعیت موجود و توجیه کننده درخواست تعدیل دستور موقت پیشین تلقی و در تاریخ ۲۴ می سال ۲۰۲۳ درخواست اعمال تعدیل در دستور موقت ۲۲ فوریه ۲۰۲۳ را از طریق الحاق دستور موقت دیگر، مطرح و از دیوان درخواست نمود «تا آذربایجان را ملزم نماید که هر یک و تمامی پرسنل گمارده شده در و یا در امتداد کریدور لاجین را که از ۲۳ آوریل ۲۰۲۳ در آن محل گمارده شده اند، عقب براند و از گماردن پرسنلی مانند آن در و یا در امتداد کریدور لاجین خودداری نماید».

لیکن دیوان در قرار صادره در ششم جولای ۲۰۲۳ با عدم احراز شرایط مقتضی، درخواست تعدیل مطروحه توسط ارمنستان را «رد» و بر مفاد دستور موقت سابق خود تأکید نمود.

۳. دستور موقت سوم

با عنایت به این که دولت آذربایجان به طور علنی اعلام نمود که نسبت به دستور موقت دیوان صادره در ۲۲ فوریه ۲۰۲۳ مبنی بر تضمین جا به جایی آزادانه و بدون مانع اشخاص، وسائل حمل و نقل و باربری در امتداد کانال لاجین در هردو مسیر، پایبند نخواهد بود، ارمنستان بار دیگر در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳ درخواست صدور دستور موقت جدید از دیوان را مطرح و بیان نمود که تشدید مداوم اختلاف از ناحیه آذربایجان و عدم پایبندی آن کشور به دستورهای سابق دیوان، اقتضای صدور دستورهای موقت معین، واضح و قاطعانه به منظور دفع لطمه قریب الوقوع و شدید به نژاد ارمنی باقیمانده در ناگورنو قره باغ را خواهد داشت، در این راستا درخواست نمود که دیوان، اقدامات موقت آتی را مقرر دارد:

۱. آذربایجان بایستی از هرگونه اقدامی که ممکن است منجر به نقض کنوانسیون شود، خودداری کند؛
۲. آذربایجان بایستی از هر اقدامی که مستقیم یا غیرمستقیم با هدف جا به جایی باقیمانده نژاد ارمنی از ناگورنو قره باغ شود یا بر آن تأثیر بگذارد یا از هر اقدامی که مانع از بازگشت امن و سریع افراد جا به جا شده در طول جنگ نظامی اخیر شامل افرادی که به ارمنستان یا کشورهای ثالث گریختند، به خانه هایشان گردد، خودداری نماید. در عین حال، به افرادی که قصد ترک ناگورنو قره باغ را دارند نیز، این اجازه بدون هیچ گونه مانعی اعطاء شود؛
۳. آذربایجان بایستی تمام پرسنل نظامی و ضابطین اجرای قانون را از همه تاسیسات غیرنظامی در مناطق اشغالی در نتیجه حمله مسلحانه خود در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ به ناگورنو قره باغ، به عقب براند؛
۴. آذربایجان بایستی دسترسی سازمان ملل متحد یا آژانس های تخصصی آن به اقلیت ارمنی ناگورنو قره باغ را تسهیل نماید و از ایجاد هرگونه مانع در این خصوص خودداری کند و به هیچ طریقی در اقدامات آنان دخالت ننماید؛
۵. آذربایجان بایستی امکان تأمین کمک های بشردوستانه به اقلیت ارمنی ناگورنو قره باغ را برای کمیته بین المللی صلیب سرخ تسهیل نماید و از ایجاد هرگونه مانع در این زمینه پرهیز کند و بایستی با کمیته بین المللی صلیب سرخ همکاری نماید تا به سایر آثار و نتایج جنگ اخیر رسیدگی نماید؛
۶. آذربایجان بایستی فوراً استقرار مجدد و کامل خدمات عمومی نظیر گاز و برق را در ناگورنو قره باغ تأمین نماید و از قطع آن ها در آینده خودداری نماید؛
۷. آذربایجان بایستی از اتخاذ اقدامات تنبیهی نسبت به نمایندگان سیاسی یا پرسنل نظامی حاضر یا سابق ناگورنو قره باغ خودداری نماید؛
۸. آذربایجان نباید در هر بنای یادبود نسل زدایی ارمنستان در سال ۱۹۱۵ یا هر یادبود دیگر یا دست سازه های فرهنگ ارمنی یا اماکن موجود در ناگورنو قره باغ دخل و تصرفی کند یا آن ها را تخریب نماید؛
۹. آذربایجان بایستی ثبت احوال، اسناد هویتی و عناوین

ملکی و ثبتی ایجاد شده توسط مقامات ناگورنو قره باغ را به رسمیت شناخته و به آن ها اثر اجرایی ببخشد و نباید چنین اسناد ثبتی یا مدارکی را از بین ببرد یا مصادره نماید؛

۱۰. آذربایجان بایستی در عرض یک ماه از صدور این دستور، درخصوص کلیه اقدامات اتخاذی در راستای اجرای آن، گزارشی را به دیوان ارائه کند و پس از آن نیز هر سه ماه یکبار گزارش مزبور را ارائه نماید تا زمانیکه دیوان در این پرونده به تصمیم نهایی برسد.

درنهایت، دیوان ضمن قبول درخواست ارمنستان، در قرار صادره در تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۲۳ مقرر نمود که «آذربایجان ملزم است طبق تعهدات خود در کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی: الف) تضمین نماید که افرادی که بعد از ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ ناگورنو قره باغ بازگشت به آن جا را دارند، بتوانند در امنیت و بدون مانع و بدون برگرداندن؛ ب) تضمین نماید که افرادی که بعد از ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ در ناگورنو قره باغ مانده اند و قصد ترک آن جا را دارند، بتوانند در امنیت و بدون مانع و سریع آن جا را ترک نمایند؛ ج) تضمین نماید افرادی که بعد از ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ در ناگورنو قره باغ مانده اند یا به آن جا برگشته اند و قصد ماندن دارند، از هرگونه اعمال زور یا ایجاد ترس و وحشت در امان باشند.

دیوان هم چنین مقرر نمود که جمهوری آذربایجان مطابق با تعهدات خود در کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نژادی، بایستی از اسناد و مدارک ثبتی، سجلی ناظر به اموال خصوصی و سوابق مرتبط با اشخاص شناسایی شده طبق قسمت (۱)، حمایت و حفاظت به عمل آورده و در اقدامات اداری و قانونی خود توجه مقتضی به اسناد و سوابق مزبور داشته باشد. علاوه براین، جمهوری آذربایجان بایستی درخصوص اقدامات انجام شده در راستای اجرای دستور موقت صادره و هم چنین در رابطه با تعهدات ابراز شده توسط نماینده جمهوری آذربایجان به نیابت از دولت خود در جلسه استماع عمومی تشکیل شده در بعد از ظهر ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳، ظرف ۸ هفته از زمان صدور این دستور، گزارشی را به دیوان ارائه کند.

نتیجه گیری

رویکرد میانه دولت آذربایجان نسبت به دستورهای موقت مکرر دیوان بین المللی دادگستری، بار دیگر بحث ماهیت الزام آور این دستورها و نیز سازکار اجرای آن را مطرح نموده است. ماهیت دستورهای موقت دیوان، از سال ها پیش در میان حقوقدانان بین المللی محل بحث بود، تا این که دیوان در پرونده برادران لاگرانج با الزام آور دانستن دستورهای موقت، تا حدودی به بحث های مزبور پایان داده و بیان داشت که بر طبق موضوع و هدف اساسنامه و متن ماده ۴۱ آن، اقدامات تأمینی دیوان باید الزام آور باشند تا از آسیب به حقوق طرفین که در رأی نهایی دیوان تبیین می شود، جلوگیری شود، لیکن عدم پایبندی دولت ها به دستورهای موقت در قضایای اخیر نظیر پرونده نقض ادعایی عهدنامه مودت ایران- آمریکا ۱۹۵۵، پرونده ادعاهای نسل زدایی برمنای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل زدایی اوکراین- روسیه و مواردی از این قبیل، ضرورت ایجاد سازکاری برای نظارت بر این دستورها را آشکار ساخت. طبق بیانیه صادر شده از سوی دیوان در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۰، فرآیندی برای نظارت بر اجرای دستورهای موقت صادره ایجاد شده است. این فرآیند در قالب یک ماده تصویب و به «قطعنامه عملکرد قضایی داخلی دیوان» اضافه شد. طبق این فرآیند، هرگاه دیوان دستور موقتی صادر نماید، سه قاضی را برای ایجاد یک کمیته موقتی انتخاب خواهد نمود تا به دیوان در نظارت بر اجرای دستور موقت کمک کند. این کمیته اطلاعات ارائه شده از سوی طرفین در رابطه با اجرای دستور را بررسی می نماید و به صورت دوره ای به دیوان گزارش می دهد. کمیته طی این گزارش ها هم چنین، راهکارهای احتمالی را به دیوان توصیه می کند و هرگونه تصمیم در این خصوص از سوی دیوان اتخاذ خواهد شد (اینجا: ۳۳۳۰-۳۳۳۱- اینجا). با وجود پیش بینی سازکار مزبور در ماده ۱۱ قطعنامه عملکرد قضایی داخلی دیوان، نحوه اعمال آن در قضایای مختلف نظیر قضیه حاضر، محل ابهام بوده و دیوان در هیچ یک از

قرارهای صادره در این پرونده اشاره ای به تشکیل کمیته موضوع ماده ۱۱ ننموده است، بلکه صرفاً در دستور موقت سوم، دولت آذربایجان را ملزم به ارائه گزارش درخصوص اقدامات انجام شده در رابطه با دستور موقت نموده و بیان میدارد که آذربایجان بایستی ظرف یک ماه از تاریخ این دستور، گزارشی را در مورد کلیه اقدامات اتخاذ شده درخصوص اجرای آن به دیوان ارائه کند و پس از آن، هر سه ماه نیز تا صدور تصمیم نهایی دیوان به ارائه گزارش های مزبور ادامه دهد.

اما فارغ از آن، همان طور که دیوان در قضیه لاگرانج بیان داشت، هدف اقدامات تأمینی فقط حفظ وضع موجود و ادله طرفین نیست، بلکه اقدامات تأمینی یا دستور موقت یک سازکار مؤثر برای تضمین اجرای حقوق بین الملل است و از این رو، از قدرت الزام آور همانند رأی برخوردار است و نقض آن موجب مسئولیت بین المللی دولت خاطی می گردد. هم چنین دیوان بین المللی دادگستری در قضیه برخی نقض های ادعایی عهدنامه مودت (ایران علیه آمریکا) نیز تأکید می کند که دستورهای دیوان «درخصوص اقدامات موقتی به موجب ماده ۴۱ اساسنامه الزام آور هستند و در نتیجه برای هر طرفی که اقدامات موقتی خطاب به آن است، تعهدات حقوق بین المللی ایجاد می کند». بنابراین، براساس منطق حقوقی، ماهیت الزام آور دستور موقت دیوان به عنوان یکی از مصادیق «تصمیمات دیوان» که در ماده ۹۴ منشور ملل متحد آمده، اقتضا می کند که عدم رعایت آنها نقض یک تعهد بین المللی با همه پیامدهای ناشی از آن به شمار رود (اینجا: ۵۹۸). به این ترتیب، رعایت نکردن دستور موقت دیوان یک «عمل متخلفانه بینالمللی است و موجب ایجاد مسئولیت بین المللی دولت خاطی می شود (اینجا: ۴۰). در نتیجه، عدم تبعیت آذربایجان از دستورهای موقت صادر شده از سوی دیوان، موجب مطرح شدن مسئولیت بین المللی آن می گردد.

علاوه براین، پذیرش الزامی بودن دستور موقت دیوان نکاتی را در مورد روش جبران نقض چنین دستورهایی پیش می آورد (اینجا: ۴۰). در قضیه لاگرانج، دیوان اعلام کرد که دستور موقت تعهدات حقوقی برای دولت مخاطب (آمریکا) ایجاد می کند و در صورت نقض چنین تعهدی، طرف مقابل می تواند درخواست جبران نماید (بند ۱۱۶). در نتیجه دیوان می تواند در صورت احراز صلاحیت در اصل موضوع اختلاف و مشروط به درخواست جبران خسارت در ضمن حکم نهایی در خصوص جبران خسارات ناشی از نقض دستور موقت نیز اعلام نظر کند (اینجا: ۱۳۷)، که در این پرونده نیز چنین فرضی محتمل خواهد بود.

درنهایت باید اشاره داشت که مطابق ماده ۴۱ (۲) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، تا صدور حکم قطعی، تعیین این اقدام ها باید فوراً به طرفین اختلاف و به شورای امنیت نیز ابلاغ گردد، در نتیجه، در این مورد می توان توصیه ها و اقدام هایی از سوی شورای امنیت را نیز متصور بود. البته با توجه به شرایط کنونی جامعه بین المللی، تعیین عدم اجرای این دستورها و تلقی آن ها به عنوان نقض صلح و امنیت بین المللی از سوی شورای امنیت مطابق ماده ۳۹ منشور ملل متحد و تصمیم گیری در راستای مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد با وجود حق وتو اعضای دائم شورای امنیت (به ویژه ایالات متحد آمریکا و روسیه) محتمل نبوده و احتمال اعمال حق وتو از نظر نگارندگان بیشتر خواهد بود.

در پایان باید یادآور شد که قاضی اودا، بیش از بیست سال پیش، نسبت به عدم تبعیت از دستورهای دیوان هشدار داده و بیان داشت که بی اعتنائی مکرر نسبت به دستورهای دیوان از سوی طرفین دعوا، بدون شک به شأن و جایگاه دیوان لطمه خواهد زد و تردیدهایی را نسبت به نقش قضایی دیوان در جامعه بین المللی مطرح خواهد ساخت.

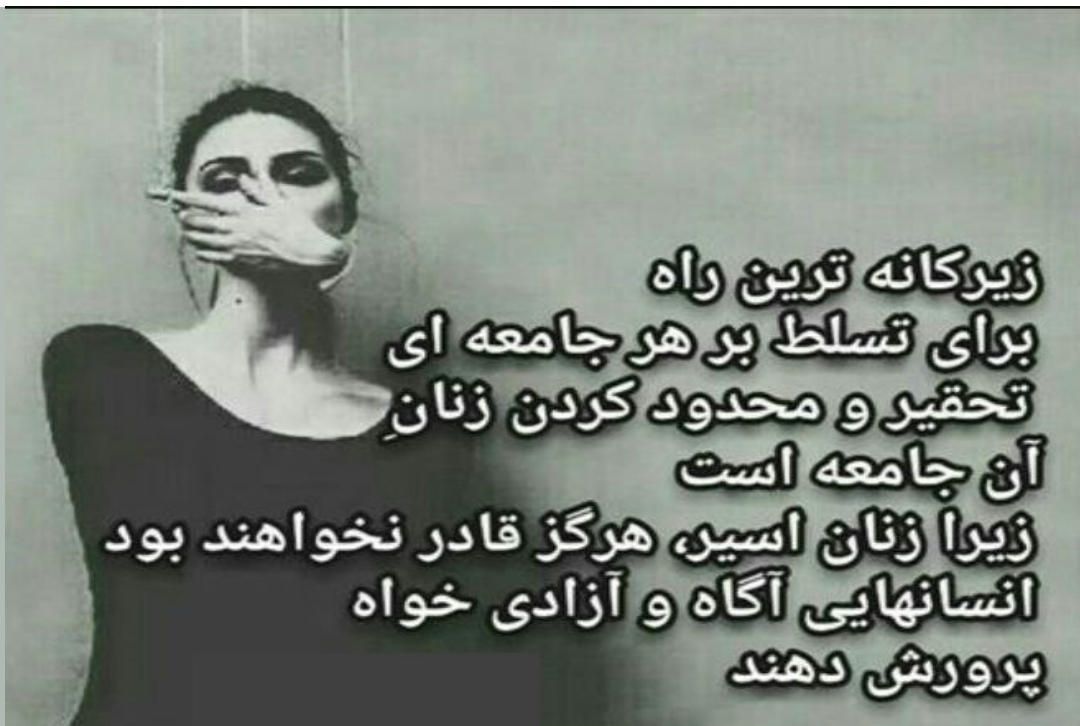
منبع: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل

افسون سربخشیان و کیان بیگلربیگی - دانشجویان دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران
۲۵/۰۹/۱۴۰۲

چگونه از نظر روانی قدرتمند باشیم؟

- از تنهایی نترسیم و
به بهانه تنهایی وارد هر رابطه‌ای نشویم.
- غرق در گذشته نشویم،
درس‌های آن را دریابیم و رشد کنیم و عبور کنیم.
- فکر نکنیم که دنیا به ما بدهکار است،
تلاش کنیم و مهارت کسب کنیم و حقمان را بگیریم.
- تلاش نکنیم همه را راضی نگه داریم
اما علت حال بد دیگران هم نباشیم.
- دست از تاسف خوردن برای خودمان برداریم،
حرکت کردن را آغاز کنیم.
- انرژی مان را برای چیزهایی که
نمی‌توانیم کنترل کنیم هدر ندهیم.
- اگر کسی مدام به ما احساس منفی منتقل می‌کند ارتباطمان
را با او محدود کنیم.
- بعد از اولین شکست جا نزنیم و عوامل شکست را بررسی
کنیم و به نقاط ضعفمان پی ببریم.

منبع: کانال خانواده-روانشناسی-مشاوره



زیرکانه ترین راه برای تسلط بر جامعه، محدود کردن زنان آن جامعه است!
زیرا زنان اسیر، هرگز قادر نخواهند بود انسان‌هایی آگاه و آزادی‌خواه پرورش دهند!
قادر نخواهند بود با عشق و آرامش مردان‌شان را در جدال با زندگی همراهی کنند.

منبع: سیمون-دوبوار

رئیس مجمع عمومی سازمان نظام کشور:



و آشامیدنی را که در سال ۱۳۷۹ اصلاح شده است فقط به یک جریمه ۵۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون تومان بسنده کرده که هیچ اصلاحی از آن موقع تا الان در این قانون را شاهد نبوده ایم و این خودش باعث می‌شود که وقاحت و گستاخی مداخله گران بیشتر شده و تشدید پیدا کند.

وی ضمن تشکر از میزبانی شایسته نظام پزشکی مشهد و برگزاری موفق شورای عالی نظام پزشکی در مشهد گفت: یک ماه و نیم پیش که انتخابات هیئت رئیسه مجمع انجام شد و شاهد بودیم که تغییرات اساسی را اعضاء معزز مجمع رقم زدند این تغییرات را به این نیت می‌گیریم که حول مدار مطالبه‌گری شفاف، متعهدانه و بدون تعارف و تکلف قرار دارد و ما هم باید به همین منوال رفتار بکنیم و به امید خدا در سایه یک سیاست هوشمندانه و تعامل عزتمندانه و با همفکری و هم‌اندیشی ارکان مختلف یک برنامه و استراتژی را عطف به جایگاه مشروعیت بخش و هویت ده و والای مجمع تدوین نماییم تا بتوانیم مجمعی کارآمد سرآمد و راهبر را در لوای اتحاد و اقتدار و آزادی داشته باشیم و این هم‌اندیشی و بارش افکار و همفکری در قالب این جلسات در استانهای مختلف می‌تواند کمک شایانی به این مهم بنماید.

در پایان باید بگویم که خیلی خوشحالم که در جوار ملکوتی امام هشتم شیعیان حضور داریم و توانستیم چهل و چهارمین جلسه شورای عالی نظام پزشکی را در اینجا برگزار کنیم.

منبع: به گزارش روابط عمومی سازمان نظام پزشکی مشهد،

تأثیر افزایش درصد دستمزد پایه قانون کار است، هر چقدر گفتیم این دستمزد قیمت تمام شده نیست و قیمت تمام شده یعنی شما وقتی ملکی را به عنوان مطب اجاره می‌کنید اجاره پوسنل، آب و برق و گاز، مالیات، استهلاک، عوارض شهرداری و مواد مصرفی و موارد مختلف شامل حالش می‌شود و مبنای ما بر اساس قیمت تمام شده در نظر گرفته شود ولی متاسفانه توفیری نداشت.

دکتر کاظمی افزود: انقطاع رابطه مالی بین بیمار و پزشک آرزوی ماست و الزاما سازمان‌های بیمه گر باید حسب وظیفه ذاتی خود پرداختهای واقعی را با انجام مناسب و صحیح تعهدات تضمین دهند؛ نه اینکه پرداختی از جیب مردم باشد و با یک قرارداد کاملا یکطرفه از مسئولیت شانه خالی کنند.

وی در ادامه به اهمیت حفظ کرامت جامعه پزشکی اشاره کرد و گفت: متاسفانه دیدیم جامعه خدمت، زحمتکش، متعهد و فرهیخته پزشکی تحت آماج شدیدترین بی‌اخلاقی‌ها و بی‌مهری‌ها و کج رفتاری‌ها قرار گرفته که ما این را به حساب بی‌تقوایی تربیون دارها و بعضی از رسانه‌ها می‌گذاریم.

رئیس مجمع عمومی سازمان نظام کشور به موضوع مجازاتهای نامتناسب و غیر بازدارنده مداخله‌گران در حوزه درمان نیز اشاره کرد و گفت: این مجازاتها بازدارنده نیستند و ما شاهد آسیب‌های بسیار جدی به سلامت جامعه هستیم و انتظار داریم از کمیسیون قضایی مجلس که ارائه طرح لازم بدهند و یا مجازات و جرائم را با توجه به شرایط روز اصلاح بکنند، به عنوان مثال ماده ۳ قانون دارویی و مواد خوردنی

✓ حق تعرفه‌گذاری باید به سازمان نظام پزشکی بر به گزارش روابط عمومی سازمان نظام پزشکی مشهد، برگردد

✎ دکتر یوسف کاظمی در حاشیه برگزاری جلسه شورای عالی نظام پزشکی در مشهد گفت:

تعرفه‌گذاری حق ماست و متاسفانه بر اساس یک ایدئولوژی پوپولیستی و مندرس چند سال پیش این حق از ما گرفته شده است و اعتراضهای مکرری به این اشتباه فاحش داشتیم و اکنون هم به دنبال این هستیم که این حق به ما برگردد.

وی افزود: متاسفانه با یک سوء مدیریت مشخص و مشهود تیشه به ریشه صنعت و ساختار بهداشت و درمان کشور زده‌اند. خیلی جای شگفتی دارد که خود این قانونی که برای تعرفه اجباری به جامعه پزشکی تحمیل شده هم رعایت نمی‌شود و به همین قانون هم التزام ندارند و برای حرف و تصمیم خودشان هم احترامی قائل نیستند،

سال قبل دیدیم جلسات مختلفی با شورای عالی بیمه سلامت که ترکیبش هم متاسفانه از ۹ نفر، فقط سازمان نظام پزشکی به عنوان ارائه دهنده خدمت حضور دارد و بقیه به عنوان خریداران خدمت هستند؛ یک رقمی را مشخص کرده و مورد قبول واقع شد، این مصوبه به سازمان برنامه و بودجه رفت و در کمال شگفتی دیدیم که معاونت سازمان برنامه بودجه این رقم را تغییر داده و به هیئت وزیران برای تصویب ارسال شد که این روش مدیریتی سلیقه‌ای فاجعه‌بار است و متاسفانه اعتراض‌های سازمان هم به جایی نرسید و در کمال تعجب و بی‌منطقی اعلام کردند که رقم مشخص شده تحت



هنر گچ بری در دوره ساسانی

در گچ بری دوران ساسانی باید بین مایه‌های زینتی و نقوش انسان و حیوان تمایز قائل شد. تکرار فراوان یک نقش و نگار برای این بوده است که سطح‌های وسیعی را بپوشانند در مورد دکور زینتی غیر از طرح‌های هندسی چون دایره‌ها با نوارها بیش از هر چیز از بنمایه‌های گیاهی مانند پیچک‌های رونده استفاده شده است. شپرد بر مبنای شباهت تزیینات گچ بری در دولت ساسانی و قرابت بسیاری از بنمایه‌های آن با دکور موجود طاق بستان گمان دارد که در اوایل دوره ساسانی از گچ بری محتاطانه تر استفاده می‌کرده‌اند و تازه بعدها این هنر به حد اعلای خود رسیده است.

مهمترین یافته‌های ما در گچ بری از بیشاپور حوالی ری، تیسفون، بین النهرین، دامغان و تخت سلیمان بوده است غیر از آنها قطعات بسیاری هست که از طریق خرید و فروش اشیاء هنری به موزه‌ها راه یافته‌اند.

منبع
مبانی تاریخ ساسانیان، کلاروس شییمان،
ترجمه کیکاووس جهانداری، ص ۱۴۴ و ۱۴۵



خسرو انوشیروان، پادشاه اصلاح‌گر

سیاست خسرو متوجه احیای آن خاندان‌هایی از بزرگان بود که ضعیف و فقیر شده بودند اما وی اعیان قدیمی را که فرمانبرداری‌شان برابر مقام شاهی ناچیز بود احیا نکرد، بلکه از قشر تازه‌ای پشتیبانی نمود که می‌بایست تکیه‌گاهش گردند.

او خاندان‌های نجبا را از لحاظ مادی تامین کرد اما از آنها خواست از دربار دور نشوند. به دختران اعیان دربار جهیزیه می‌داد و زندگی جوانان خاندان‌هایی را که فقیر بودند تامین می‌نمود. پس قشری از خدمتگزار درباری و مالک زمین پدید آمد که مستقیماً فرمانبردار و وابسته به شخص شاه بود.

خسرو اصلاح مهم دیگری نیز به عمل آورد و آن اصلاحات نظامی بود. لشکریان از دستجات سوار که از میان آزادگان انتخاب و تشکیل می‌گشتند. بسیاری از این دستجات به اعیان و بزرگان تعلق داشتند و بدین سبب رابطه‌ی ایشان با شاه ضعیف بود. انوشیروان می‌کوشید ارتشی بوجود آورد که مستقیماً مطیع وی باشد و بشدت به تسلیح قشر مالکین متوسط پرداخت و به ایشان سلاح و اسب داد.

تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی
نویسنده این بخش «ن. و. پیگولوسکایا»
ترجمه «کریم کشاورز»
صفحه ۱۰۶

پیام تسلیت مهندس مهدی کیان به مناسبت سالگرد شهادت حضرت زهرا سلام‌الاه علیهم

بخوان، خدای را بخوان
گره گشای را بخوان
مگر نوای مرغ حق ثمری بخشد
به ما صفای عالم دگری بخشد
برآواری نشان حق ز دل آواری
مگر که بر دعای ما اثری بخشد (شعر از علیرضا کفایی)

اینجانب مهندس مهدی کیان مدیر مسئول فصلنامه الکترونیکی پناه مردم و پایگاه خبری پناه مردم نیوز و انتشارات پناه مردم و انجمن روزنامه نگاران مسلمان شهر تهران، شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها را بر مسلمانان جهان و انسانهای آزادی خواه و مومن تسلیت می‌گویم.



گفتاری کوتاه از مرحوم آیت الله العظمی صانعی (رحمة الله علیه) پیرامون شخصیت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

سه چیز محبوب حضرت زهرا (سلام الله علیها)

از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل شده است که می فرماید:

«حُبِّ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تَلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۱)

من از دنیای شما سه چیز را دوست می دارم:

نگاه به پدرم،

انفاق

و تلاوت قرآن.

من احتمال می دهم این که حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید من این سه چیز را دوست می دارم هر کدام نمونه و بانی از انسانیت و کمال است که در این جا به تحلیل کوتاهی در مورد هر یک اشاره می کنم:

اول: نگاه به پدر را دوست می دارم. یعنی عاطفه نسبت به خویشان که در رأس آن، پدر است. عاطفه نسبت به حکومت حق که در رأس آن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ عاطفه نسبت به مبلغ احکام خدا و هادی جامعه که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) است. به پدرم رسول الله که نگاه می کنم، دوست می دارم؛ یعنی آن جهاتی که در پدرم وجود دارد، در حقیقت من می خواهم نسبت به علم، به هدایت، به علم لدنی، به حاکمیت حق، به رجم و پدر بودن اظهار علاقه کنم.

دوم: من انفاق را دوست می دارم. انفاق چه امتیازی دارد که ایشان می فرماید من دوست می دارم؟! ممکن است بعضی ها این گونه معنا کنند که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به کمک کردن به دیگران علاقه داشت؛ البته این یک مصداق آن است، اما من به نظرم می آید چون زن، نفقه خور همسر است، زهرا (سلام الله علیها) می خواهد بگوید من دوست می دارم که زن ها چنان وضع مالی شان خوب بشود که مستقلاً نان بده باشند، نه نان خور. می خواهد بفهماند شما خیال نکنید که زن همیشه باید فقیر و گرسنه باشد، ایشان دوست دارد زن، نان بده باشد، زن بتواند سرمایه های داشته باشد، مثل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که شتران فراوانی داشت و با آنها تجارت می کرد و افرادی را مشغول کار می کرد.

سوم: قرآن را دوست می دارم. این هم خیلی محتوا دارد؛ یعنی من دوست می دارم که زن ها، به ظاهر و باطن قرآن عالمه بشوند، من دوست می دارم زن ها باسواد بشوند و با قرآن آشنا بشوند، علم به قرآن؛ یعنی علم به همه چیز، قرآن برای هدایت و انسان سازی نازل شده و کار مهم آن انسان سازی است. زهرا (سلام الله علیها) هم انسان سازی کرد؛ یعنی بشری ساخت که بتواند با همه مظلومیتش از حق خودش دفاع کند. زهرا (سلام الله علیها) می خواهد بفهماند من قرآن خواندن را دوست می دارم؛ یعنی عالمه بشوم، معلم هم بشوم و خیال نکنید چون زن هستم باید بی سواد باشم!

منبع:
صحیفه الزهراء ۳، ص ۲۷۶.

چرا سلطنت طلب ها از «نرگس محمدی» و اعطای «جایزه نوبل» به ایشان، این قدر مکدرند؟

اعطای جایزه صلح نوبل به بانو «نرگس محمدی»، سلطنت طلب ها را با مشکل مواجه ساخت. از یک سو، آن جایزه با استقبال بسیاری از ایرانیان روبه رو گردید و از سویی دیگر، آن جایزه به چهره ای اعطا شده بود که مطلوب سلطنت طلب ها نبود. برخی حتی گفتند خانم «فاطمه سپهری» شایستگی بیشتری داشتند تا خانم محمدی.

ظاهراً از چهره های سلطنت طلب در مراسم اعطا جایزه دعوتی صورت نمی گیرد. به علاوه، خانمی که مجری اصلی برنامه بودند، در تجلیل از خانم محمدی، ایشان را تا جایگاه رهبری اعتراضات بالا می برند. بعد از مراسم، سلطنت طلب ها تعارف را کنار گذارند و برگزارکنندگان، به علاوه آقای «تقی رحمانی» را مورد انتقاد قرار دادند. مدعی شدند که توطئه ای از سوی اصلاح طلبان، طرفداران مرحوم هاشمی رفسنجانی و دخترشان فائزه هاشمی، تقی رحمانی، ملی - مذهبی ها و اروپایی ها طراحی شده به منظور مطرح کردن خانم محمدی به عنوان رهبری اپوزیسیون. اول جایزه نوبل را به وی اعطا کردند، بعد هم در مراسم اعطای جایزه، مرحله بعدی نقشه شان را پیاده کردند. البته ما همگی نوادگان جد بزرگوارمان، مرحوم «دایی جان ناپلئون» هستیم و فرقی نمی کند داخل کشور باشیم یا در اروپا و آمریکا؛ تحصیل کرده باشیم یا عامی. به هر حال زن تئوری های توطئه را به ارث برده ایم.

اینکه آقای هاشمی رفسنجانی از زیر خاک، به همراه آقای خاتمی که قدرت سیاسی ندارد تا از نانوائی سر کوجه شان دو تا نان سنگک بگیرند، با فائزه هاشمی در زندان اوین، تقی رحمانی در پاریس، به علاوه دولتین سوئد و نروژ، همه شان بر روی هم چه مقدار توان دارند، که بتوانند خانم «نرگس محمدی» را در کسوت رهبری اپوزیسیون در آورند، خیلی محلی از اعراب ندارد. هنر فرضیه های دایی جان ناپلئونی به رویایی بودن آن است و خیلی به واقعیت ها کاری ندارد. اما مشکل سلطنت طلب ها با خانم نرگس محمدی، بانویی که زندگی، جوانی، فرزندان و خانواده اش را به پای مبارزه در راه آزادی و حقوق بشر ریخته، چیست؟ چرا آن ها اینقدر با نفرت به بانویی که افتخار کشورش هست، می نگرند؟

پاسخ مختصر آن است که او سر تعظیم در برابر ولیعهد فرود نیاورده. ریشه همه تئوری پردازی های سلطنت طلب ها علیه او و آن همه نفرت و بغض و کینه شان نسبت به وی، به واسطه «استقلال فکری» نرگس است. تأسف آورتر از همه این ها، آن است که کسانی که امروز قدرتی ندارند، چشم دیدن دیگران و تحمل رقبا را ندارند. معلوم نیست اگر فردا به قدرت برسند، چگونه قرار است پاسدار «حاکمیت قانون»، «آزادی» و «دمکراسی» باشند؟

منبع: ۲۳ آذر ۱۴۰۲
کانال تلگرامی دکتر صادق زیبا کلام

«سکوت روشنفکر در برابر «حقیقت»، به منظور حفظ محبوبیتش در میان مردم، تأسف آور است».

بسیاری از چهره های اپوزیسیون، که سن آنان به دوران قبل از انقلاب می رسد، نیک می دانند که ساواک چه می کرده و سخنان جناب ثابتی، دست کم برای آنان خیلی مطالب جدیدی نبود. ای بسا برخی از آنان در همان دوران که آقای ثابتی دارند تعریف می کنند، زندانیان سیاسی بودند؛ و حتی اگر خودشان هم شکنجه نشده بودند، یقیناً شاهد شکنجه دیگر متهمین سیاسی بوده اند. اما امروزه به نحو حزن انگیزی سکوت کرده اند؛ کأنه مطالب آقای ثابتی و عملکرد ساواک مربوط به کشور دیگری می شده و ربطی به ایران پیدا نمی کند. البته سکوت آنان را، علی رغم تلخ بودنش می توان درک کرد. نگران اند اگر کلامی علیه ساواک بگویند، مورد غیظ و غضب مخالفین ج.ا قرار گرفته و محبوبیت شان آسیب ببیند.

سکوت روشنفکران در برابر حکومت ها را می توان درک کرد. قرار نیست همه مان «آرش کمانگیر»، «نرگس محمدی»، «فاطمه سپهری» یا «توماج صالحی» باشیم. اما سکوت، یا درست تر گفته باشیم، «مصلحت اندیشی روشنفکران» و نگرانی آن ها از اینکه مبدا بیان حقیقت به مذاق مردم خوش نیاید و لاجرم از بیان آن خودداری می کنند، خیلی شایسته نیست. روشنفکری که به واسطه آسیب ندیدن محبوبیتش نزد مردم، ترجیح می دهد از بیان حقیقت خودداری کند، اتفاقاً بیشترین جفا را در حق خود آن مردم روا می دارد.

منبع: ابراهیم طاهری
کانال تلگرامی مهدی نصیری

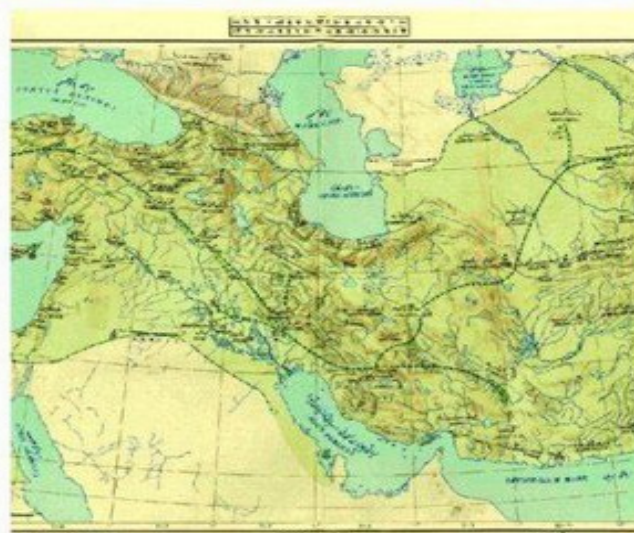
صادق زیبا کلام: «سکوت روشنفکر در برابر «حقیقت»، به منظور حفظ محبوبیتش در میان مردم، تأسف آور است».

بسیاری از چهره های اپوزیسیون، که سن آنان به دوران قبل از انقلاب می رسد، نیک می دانند که ساواک چه می کرده و سخنان جناب ثابتی، دست کم برای آنان خیلی مطالب جدیدی نبود. ای بسا برخی از آنان در همان دوران که آقای ثابتی دارند تعریف می کنند، زندانیان سیاسی بودند؛ و حتی اگر خودشان هم شکنجه نشده بودند، یقیناً شاهد شکنجه دیگر متهمین سیاسی بوده اند. اما امروزه به نحو حزن انگیزی سکوت کرده اند؛ کأنه مطالب آقای ثابتی و عملکرد ساواک مربوط به کشور دیگری می شده و ربطی به ایران پیدا نمی کند. البته سکوت آنان را، علی رغم تلخ بودنش می توان درک کرد. نگران اند اگر کلامی علیه ساواک بگویند، مورد غیظ و غضب مخالفین ج.ا قرار گرفته و محبوبیت شان آسیب ببیند.

سکوت روشنفکران در برابر حکومت ها را می توان درک کرد. قرار نیست همه مان «آرش کمانگیر»، «نرگس محمدی»، «فاطمه سپهری» یا «توماج صالحی» باشیم. اما سکوت، یا درست تر گفته باشیم، «مصلحت اندیشی روشنفکران» و نگرانی آن ها از اینکه مبدا بیان حقیقت به مذاق مردم خوش نیاید و لاجرم از بیان آن خودداری می کنند، خیلی شایسته نیست. روشنفکری که به واسطه آسیب ندیدن محبوبیتش نزد مردم، ترجیح می دهد از بیان حقیقت خودداری کند، اتفاقاً بیشترین جفا را در حق خود آن مردم روا می دارد.

منبع: ۱۹ آذر ۱۴۰۲
کانال تلگرامی دکتر صادق زیبا کلام

نام ۲۳ استان ایران در سنگ نوشته داریوش بزرگ هخامنشی در بیستون کرمانشاه...



بر اساس متن ستون ۱، بند ۶ از کتیبه بیستون:

گوید داریوش شاه: این سزمین‌هایی [است] که از آن من شدند به خواست اهورمزدا من شاه آن‌ها بودم: پارس (پارس)، اوج (ایلام)، بایروش (بابل)، آثورا (آشور)، اریای (شمال شبه جزیره عربستان)، مودرای (مصر)، آن‌هایی که در دریا هستند (فینیقی‌ها)، اسپرد (سارد و لیدی)، یون (یونان)، ماد (ماد)، آرمین (ارمنستان)، کتیتوک (کاپادوکیه)، پرتو (پارت)، زرنک (سیستان)، هریو (هرات)، باختریش (بلخ)، سوگود (سغد)، گنداز (شمال پاکستان)، سک (سکاها، مردمان میان دریاچه خوارزم و دریای کاسپین)، تگوش (دره رود هیرمند)، هروتیش (زُخج)، مک (مکران)...

منبع: کانال تاریخ ما

عمامه به سرهایی که سیاهی لشکر حوزه هستند اما رسالت حوزوی انجام نمی‌دهند

و لوازم التحریر و لباس و مایحتاج تهیه می‌کند و به دست مستمندان می‌دهد این آیا سرباز اقامه دین است؟ آیا حوزه علمیه درست شده که مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم حل شود؟ البته این طلبه خیلی کارش خوب است. دارد خدمت می‌کند، من قضاوت منفی نسبت به کارش ندارم، می‌خواهم عرض بکنم که این از هویت طلبگی خارج شده است، طلبه به حوزه آمده بود که چه کار بکند؟ آمده بود که در مسیر اقامه دین خدا فعالیت نرم تخصصی بکند؛ اما الان کارمند کمیته امداد شده است. برای آن کار لازم نبود این طلبه ۱۵ سال درس بخواند. کار خیریه را یک مسجدی متدین از همین کاسب‌هایی که در محله‌ها هستند، هم می‌توانست انجام بدهد، پس کسانی از حوزه، به صورت پنهان ریزش کردند و خارج شدند و چه بسا خودشان هم توجه ندارند و چون یک فعالیت مفید و مثبت و مورد نیاز انجام می‌دهند، ممکن است امر بر خودشان و بر دیگران مشتبه شده باشد.

بعضی از روحانیون مجری گری می‌کنند، بعضی حافظ حقوق حیوانات شده‌اند، سگ‌های پیس و مریض را تیمار می‌کند و به دامن طبیعت برمی‌گرداند، بعضی مدیر باشگاه بولینگ و بیلیارد شده؛ انواع و اقسام کارهایی که انجام می‌دهند... اما آن کارویژه تخصصی که قرار بود به عنوان عالم دین پیام خدا را به عالم بگستراند و اقامه کند، فراموش شده یا آن توجه و اهتمام لازم به آن نمی‌شود. ما از جایگاه خودمان پرتاب شده‌ایم و بیرون رفته‌ایم؛ ریزش‌های طلبگی زیاد شده. ریزش‌هایی که نوعاً دردش هم آشکار نیست ولی خیلی خسارت است.

منبع: کانال تلگرامی مهدی نصیری

عالم زاده نوری معاون تهذیب حوزه‌های علمیه در گفتگو با خبرگزاری حوزه

می‌دانید که ورودی‌های حوزه در گذشته کم بوده و این سال‌ها هم بخاطر عوامل مختلف کمتر شده است، همه ساله بیش از یک میلیون نفر جوان دانشگاه می‌روند، اما برای حوزه سالیانه چهار پنج هزار نفر وارد حوزه می‌شوند، توزیع نیروی انسانی خیلی ناعادلانه است. از میان طلبه‌هایی که وارد حوزه می‌شوند هم تعدادی ریزش داریم. اما از این دو مسئله، جان‌سوزتر چیزی است که معمولاً دیده نمی‌شود و آن ریزش‌های پنهان حوزه است.

ریزش‌های پنهان طلبه‌های عمامه به سری هستند که به حسب ظاهر جز سیاهی لشکر حوزه محسوب می‌شوند، اما به واقع به رسالت‌های حوزوی نمی‌پردازند، یعنی نیروی این کار و آدم این کار نیستند، فقط جز آمار محسوب می‌شوند. انواع ریزش‌های پنهان داریم، مثلاً طلبه‌ای که نهایتاً کارمند شده و در دبیرخانه مرکز مدیریت کاغذ می‌گیرد و امضا می‌کند و مهر می‌زند. این آیا رسالت طلبگی انجام می‌دهد؟ این آیا مسیر انبیا را امتداد می‌دهد؟ برای اقامه دین کار می‌کند؟ این همه درس خوانده که آخرش این بشود؟ این ریزش حوزه است، برای اینکه عمامه به سر دارد، چهره نورانی، نماز شب خوان، متعهد و انقلابی، همه چیز هست، ولی حوزوی نیست!

یا آن طلبه‌ای که خیریه تشکیل داده برای مستمندان پول جمع می‌کند بعد هم گوشت و مرغ

آشکده کرکویه سیستان



● آشکده کرکویه سیستان از آثار مربوط به دوره ساسانیان است که در سیستان در شهرستان هیرمند در مرکز روستایی با همین نام واقع شده است. دیرینگی آشکده کرکویه را به زمان کیخسرو نسبت داده‌اند و بنا بر روایات کرکویه تا سده هفتم هجری آباد بوده است. کرکویه توسط نویسندگان دوران اسلامی توصیف شده است. از آن میان استخری کرکویه را نخستین راهی می‌داند که سیستان را به هرات پیوند می‌هد و بر پایه گفته وی کرکویه در سه فرسنگی زرنج یا زرنگ (سیستان) واقع شده است.

● یاقوت حموی نیز در مورد آشکده کرکویه نوشته: شهری از سیستان بوده و آشکده‌ای که نزد زرتشتیان محترم شمرده می‌شد در آنجا قرار داشت. این آشکده تا سده ۷ هجری که قزوینی آن را وصف کرده است بسیار خرم و زیبا بوده است. این بنا از آشکده‌های مهم ایران بوده و موبدان آن نیز جایگاه ویژه‌ای را دارا بودند. به گونه‌ای که در تاریخ آمده فردوسی جهت نگارش شاهنامه و تحقیقات خود نزد موبد این آشکده آمده است.

منبع: کانال تاریخ ما

✓ نظریه مشورتی پیرامون ازاله بکارت و کفر آن

◀ نظریه ۷/۱۲۹۹ - ۱۳۸۲/۲/۱۶ - ۱ ج. ق

▪ «تعلق ارش-البکاره مطلق است اعم از اینکه با رضایت زانیه عمل زنا انجام شده باشد یا بدون رضایت و به عنف، که در صورت اول فقط ارش البکاره تعلق می‌گیرد و در صورت دوم علاوه بر ارش البکاره مه‌المثل را هم زانی باید پرداخت نماید. فتوای حضرت امام (قدس سره) در تحریر الوسیله مسأله ۵ صفحه ۵۸۴ و نظر صاحب جواهر رضوان‌اله تعالی علیه مستند نظریه فوق می‌باشد.»

▪ ماده قانونی مرتبط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲

ماده ۶۵۸- هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد موجب ضمان مه‌المثل است.

تبصره ۱- هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد چیزی ثابت نیست.

تبصره ۲- رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی به زنا نداشته در حکم عدم رضایت است.

منبع: کانال تلگرامی اطلاعات حقوقی

فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

مهندس مهدی کیان

شماره مجوز: ۸۳۵۸۳

وبسایت نشریه پناه مردم:

www.panahemardom.ir

وبسایت پایگاه خبری پناه مردم نیوز:

www.panahemardomnews.ir

طراح: فرشته زند

نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس،

وفادار شرقی، بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی،

کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱

تلفکس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸ - ۰۷۷۱۲۸۳۶۳-۰۲۱

تلفکس: ۰۷۷۵۶۷۶۵۱-۰۲۱

ما در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

[@panahemardom](https://www.instagram.com/panahemardom)

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت

www.jaar.com

جاار

متلك انداختن تفریح نیست جرم است!

◆ مطابق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

